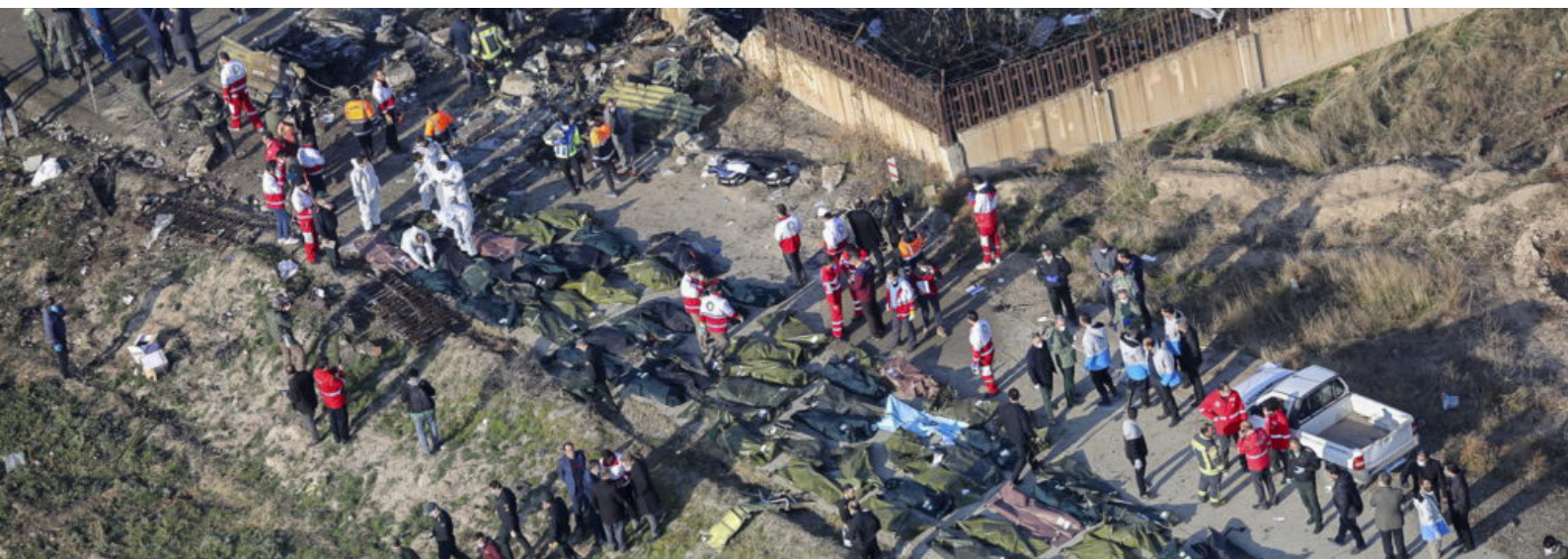




فهرست مطالب

۲	سخنی در مورد عامل اصلی تنش آفرینی در منطقه و سقوط فاجعه‌بار هواپیمای اوکراینی
۴	«دشمن ما همینجاست، دروغ میگن آمریکاست!»
۴	روز جهانی «نه به جنگ علیه مردم ایران»
۶	آمریکا باید منطقه خاور میانه را ترک کند
۷	قیام محرومان، «یوم الهی» که خمینی از فرارسیدن آن، وحشت داشت!
۸	نامه‌ای از ایران در مورد اوضاع داخلی و خارجی
۹	به باری هموطنان سیل‌زده در سیستان و بلوچستان بشتاییم
۱۰	در جبهه نبرد طبقاتی
۱۶	کتاب‌خواندن در ایران جرم بود!
۱۷	گزارش کوتاهی از تظاهرات‌های روز شنبه ۲۵ ژانویه در آمریکا و کانادا
۱۸	اپوزیسیون و جنگ!
۱۹	به ایران لشکر کشی کنید!
۲۱	مسیح علی‌نژاد، یک زن وطن‌فروش و جاه‌طلب!
۲۲	در محکومیت طرح استعماری و کاسبکارانه معامله قرن!
۲۳	با ابراز تسلیت به جنبش کمونیستی ایران،
۲۳	گزارشی از مراسم یادمان هادی جفرودی
۲۴	یادی از اولین توفانی جانباخته، رفیق نصرالله جعفر نژاد
۲۵	سرمشقی از حزبیت، ما را ترک کرد
۲۶	یادی از رفیق حسین عزتی کمره‌ای
۲۶	دخالت بی‌شرمانه و ریاکاری دونالد ترامپ رئیس‌جمهور بزرگ‌ترین تروریست دولتی جهان
۲۷	آیا هدف ترامپ تغییر نظام ایران است؟ با تحکیم آن؟
۲۸	تظاهرات باشکوه به مناسبت ۱۰۱ امین سالگرد ترور بنیان‌گذاران حزب کمونیست آلمان،
۲۸	آکسفام: ثروت ۲۱۵۳ میلیارد در جهان بیشتر از مجموع دارایی ۶۰ درصد
۲۹	سردرگمی سازمان فدائیان اقلیت در برخورد با امپریالیسم
۳۰	نیروی نظامی سوئد را از عراق به خانه برگردانید!
۳۰	بیانیه حزب کمونیست کارگری فرانسه، PCOF در رابطه با ترور قاسم سلیمانی
۳۱	خروج ناتو و آمریکا از خاک عراق!
۳۱	بیانیه حزب کارگران تونس در مورد تحولات منطقه خاورمیانه و ترور
۳۲	بیانیه پلاتفرم کمونیستی مارکسیستی - لنینیستی نوژ درباره ترور قاسم سلیمانی و مداخلات
۳۳	بیانیه مجمع سراسری ضدامپریالیستی هندوستان علیه ترور فرمانده نظامی ایران، جنرال قاسم سلیمانی
۳۳	گشت و گذاری در فیسبوک، پاسخ به چند پرسش
۳۴	پاسخ به یک پرسش در شبکه تلگرام



سخنی در مورد عامل اصلی تنش آفرینی در منطقه و سقوط فاجعه بار هواپیمای اوکرائینی

در صبح روز چهارشنبه، ۱۸ دیماه ۱۳۹۸ در پی ترور سردار قاسم سلیمانی توسط آمریکا در خاک عراق در تاریخ ۱۳ دیماه، یعنی ۵ روز پیش از این، نیروی زمینی سپاه پاسداران ۱۳ فروند موشک زمین به زمین به پایگاه امریکا در «عین الاسد» در عراق شلیک می کند و ساعت ۶:۱۸ دقیقه صبح همان روز یک فروند هواپیمای بوئینگ ۷۳۷، متعلق به خطوط هوایی اوکراین، ۵ دقیقه پس از برخاستن از فرودگاه امام خمینی به سبب خطای غیرعمد سامانه پدافند هوایی سقوط می کند که منجر به مرگ بیش از ۱۷۰ نفر از هموطنان ما و شماری از جوانان نخبه ایران و اتباعی از دیگر کشورها می شود. خبر این حادثه جانگداز مردم ایران و جهان را در غم و اندوه فرو برد. مردم در انتظار بودند تا مسئولین امر علت سقوط هواپیمای اوکرائینی را به اطلاع جهانیان برسانند. اهمال ورزیدن در اطلاع رسانی سریع و رسیدگی فوری به خانواده های داغدیده، موجب شد تا مردم به حق فریاد اعتراض سر دهند و دولت و حاکمیت را بیش از پیش تحت فشار قرار دهند. مسامحه از سوی مقامات ایرانی و تناقض گوئی های مسئولین در مورد علت سقوط هواپیمای اوکرائینی نه تنها خشم مردم را برانگیخت، بلکه بی دریایی در امر مدیریت بحران و بی مسئولیتی سران نظام را به بیش از پیش به نمایش گذاشت. در چنین وضعیت تاریکی،

روشن بود که بازار توطئه و شایعه رونق می گیرد. باید سه روز از زمان وقوع این حادثه می گذشت، تا رژیم ایران اذعان دارد که علت سقوط هواپیمای برخورد موشک خودی به آن بوده است؟ این رفتار غیرقابل فهم رژیم ایران این فرصت را برای امپریالیسم امریکا و رسانه های وابسته به آن، که پیش از این به دلیل حضور میلیونی مردم ایران علیه ترور سردار قاسم سلیمانی و علیه تجاوز به حاکمیت ملی و نقض قوانین بین المللی از سوی آمریکا به خیابان آمده بودند، به بوجود آورد تا حملات عنان گسیخته خودشان را بار دیگر علیه ایران از سر گیرند و آبروی رفته خودشان را باز یابند. پر واضح است که فریبکاری سران بلندپایه کشور در پخش اطلاعات نادرست در همان ساعات نخستین درباره این حادثه، متأسفانه نه فقط مواضع جنگ طلبان را تقویت کرد، بلکه به نیروهای صلح طلب و ضدجنگ نیز آسیب رسانید و مواضع آنها را تضعیف کرد. این در حالی است که تنش آفرینی امپریالیسم آمریکا در منطقه علت اصلی واکنش ایران به شلیک موشک به پایگاه های آمریکا در عراق بود. سقوط هواپیمای اوکرائینی در آسمان تهران تنها یکی از پیامدهای فاجعه بار بروز چنین وضعیتی است. از اینرو مسئولیت تشدید تنش در حوزه خلیج فارس و منطقه خاورمیانه مستقیماً متوجه امپریالیسم آمریکاست. این واقعیتی است که نمی شود آنرا با هیچ استدلالی و به هیچ بهانه ای کتمان ساخت. اما هستند وطن فروشان و عوامل امپریالیسم که سعی دارند با برجسته کردن چهره کریم نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی ماهیت خویش را در پس آن پنهان سازند و این واقعیت عریان را مستور کنند. وزیر امور خارجه روسیه، لاوروف، آمریکا را مسئول فضای بوجود آمده در شب حادثه هواپیمای اوکرائینی دانست. او

شوند؛ باید بر نقض مستمر حاکمیت ملی و استقلال کشورها و بی‌توجهی به حق ملل در تعیین سرنوشت خود از سوی امپریالیست‌ها به ویژه امپریالیسم امریکا نقطه پایانی بگذارند. اگر همه کشورهای جهان بخواهند همچون آمریکا رفتار کنند، آنگاه است که دیگر سنگ روی سنگ بند نخواهد ماند، همه کس و به هر بهانه‌ای و با هر استدلالی می‌تواند به منافع کشورها و به امنیت آنها تعرض نماید و در برابر هیچ مرجع و مقامی نیز پاسخگو نخواهد بود. به همین دلیل بی‌تفاوتی و بی‌عملی نسبت به این امر مهم تبعات فاجعه‌باری به دنبال خواهد داشت.

ولی خوشبختانه در اوضاع کنونی جهان که تضادهای امپریالیستی تشدید می‌یابند و جنبش‌های ضدامپریالیستی و ملی دوباره مجال بروز پیدا می‌کنند، آری در چنین بستر مبارزات جهانی برای صلح به نفع مبارزات مردم ایران علیه نظام سرمایه‌داری جمهوری اسلامی است که با مبارزات ضدامپریالیستی خلق‌های جهان پیوند تاریخی می‌خورد.

بارها تاکید کرده‌ایم که تهدیدات امپریالیست‌ها به طور عینی در خدمت ادامه تسلط استبداد در ایران قرار دارد و رژیم ولایت فقیه را تقویت می‌کند. دفع خطر خارجی و رفع تحریم‌های غیرقانونی به نفع جنبش مطالباتی کارگران و زحمتکشان است، شرایط را برای پیشروی مبارزه طبقاتی فراهم می‌کند. یکی از ویژگی‌های مبارزات مردم ایران اهمیت و بزرگی آن است و چنانچه این مبارزات با موفقیت قرین شوند، بدون تردید می‌توانند تأثیرات شگرفی، نه تنها در منطقه، بلکه در جهان از خود برجای بگذارند.

دست امپریالیسم آمریکا از ایران و منطقه کوتاه باد!
زننده‌باد صلح و دوستی همه ملل منطقه!•

سرتگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی به دست مردم ایران

اظهار می‌دارد که «همه کشورها متوجه شدند که علت وقوع این خطای انسانی، ایجاد تشنج از طرف آمریکا پس از به قتل رساندن ژنرال سلیمانی بوده است». لاوروف می‌افزاید: «ما اطلاعاتی دریافت کردیم که در شب حادثه و درست لحظاتی پس از حمله موشکی ایران به پایگاه هوایی آمریکا در عراق و اوج تشنج، ۶ فروند هواپیمای جنگنده اف ۳۵ آمریکایی نزدیکی مرز هوایی ایران در حال پرواز بودند، که این اطلاعات باید بررسی شوند».

جاستین ترودو، نخست‌وزیر کانادا نیز در طی گفت‌وگویی با شبکه گلوبال نیوز درباره حادثه هدف قرار گرفتن غیرعمد هواپیمای اوکراینی در ایران گفت: «من فکر می‌کنم که اگر تشنج نبود، اگر تنش‌ها اخیراً در منطقه گسترش نیافته بود، این کانادایی‌ها اکنون کنار خانواده‌هایشان بودند کانادا هیچ هشدار پیش از ترور سردار قاسم سلیمانی، از آمریکا دریافت نکرده بود و «واضح است» که ترجیح می‌داد که دریافت کند. ولی آمریکا تصمیمات خودش را می‌گیرد. ما تلاشمان این است که بر سر مسائل بزرگ، به عنوان یک جامعه بین‌المللی عمل کنیم. اما گاهی کشورها کارهایی را بدون مشورت با متحدان‌شان انجام می‌دهند».

نخست وزیر کانادا به دو نکته مهم اشاره می‌کند؛ یکی اینکه آمریکا عامل اصلی ایجاد تشنج در منطقه است و دوم اینکه یکجانبه‌گری آمریکا برای متحدینش و جامعه بین‌الملل مشکلات عظیمی بوجود آورده است. اظهارات جاستین ترودو صحت این ادعا را می‌رساند که مشکل اساسی امروز در جهان رفتار یکجانبه‌گرایی آمریکاست که این حق را به خود می‌دهد تا خود را فرای قوانین و مقررات بین‌المللی قرار دهد، بر سرنوشت ملت‌ها مسلط شود، هرج و مرج بوجود آورد و نهایتاً جنگ و فاجعه برای جهان بیافریند. رفتار هیستریک و بیمارگونه امپریالیسم آمریکا چیزی نیست که از دید جهانیان پنهان بماند، هیأت حاکمه آمریکا در میان افکار عموم جهان از این لحاظ مذموم و منفور است. جنبش صلح جهانی و اعتراضات ضد جنگ در سراسر جهان ماهیت ضدامپریالیستی دارند و بی‌دلیل نیست که مردم جهان امپریالیسم آمریکا را عامل اصلی و دشمن شماره یک بشریت می‌دانند و به حق در اعتراضات سراسری خود انگشت اتهام به سوی آمریکا دراز می‌کنند و جامعه جهانی را متوجه سیاست‌های خائنانه برانداز آمریکا می‌سازند. مبارزات ضد جنگ در سراسر جهان و طنین صدای معترضین اندام امپریالیسم آمریکا را به لرزه انداخته است. این اعتراضات باید مانع یکجانبه‌گرایی امپریالیسم آمریکا



«دشمن ما همینجاست، دروغ می‌گن آمریکاست!»

روز جهانی «نه به جنگ علیه مردم ایران!»

گزارش مختصری از تظاهرات ضدجنگ در شهر فرانکفورت آلمان

فعالان حزب کار ایران (توفان) در مرکز آلمان در شهر فرانکفورت در همکاری با گروه برگزارکننده «کارگاه صلح و آینده در شهر فرانکفورت» و در هماهنگی با نمایشات اعتراضی در سایر کشورهای جهان، روز شنبه ۲۵ ژانویه ۲۰۲۰ ساعت ۱۱ صبح در مرکز شهر فرانکفورت به نام «رومبرگ» به همراه دیگر شرکت کنندگان و مخالفان جنگ گردهم آمدند. مخرج مشترک توافق شرکت کنندگان در این تظاهرات اعتراض علیه سیاست‌های جنگ‌طلبانه آمریکا علیه ایران؛ خواست خروج آمریکا از کشورهای عراق، افغانستان، لیبی، سوریه و دیگر کشورهای منطقه و خروج از خاورمیانه جهت تنش‌زدایی؛ پایان دادن به تحریم‌ها و لزوم همبستگی خلق‌های منطقه بود.

این جمع ضمن محکوم کردن ایالات متحده آمریکا، که با ترور قاسم سلیمانی یک مقام رسمی و دیپلماتیک ایران موجب افزایش تنش و تشدید تشنج در منطقه به نفع اهداف راهبردی امپریالیسم آمریکا گشت، بر این باور است که قتل این مقام ایرانی توسط آمریکا نقض آشکار و مشخص قوانین بین‌المللی است که جامعه جهانی نمی‌تواند و نباید آن را تحمل کرده و بی‌پاسخ گذارد.

شرکت کنندگان در این تظاهرات از دولت آلمان مشخصاً خواستند تا به تهدیدهای جنگی ایالات متحده و تهدیدهای ماجراجویانه جنگی آمریکا علیه ایران «نه» بگوید. از جمله خواست‌های مشخص از دولت آلمان چنین بودند:

یکی از شعارهای ارتجاعی که اخیراً در برخی از تظاهرات ضد رژیمی در ایران سر داده می‌شود، همین شعار «دشمن ما همینجاست، دروغ می‌گن آمریکاست!» است. این شعار که باب دندان لاشخوران بین‌المللی است، امپریالیسم آمریکا را دوست مردم ایران و نه دشمن جلوه می‌دهد و تحریم‌های ضدانسانی و غیرقانونی اقتصادی را از جانب دوست در حمایت از ملت ایران و تضعیف رژیم تنوریزه و به خورد مردم می‌دهد. اگر این شعار از جانب برخی از مردم نادان ناآگاهانه مورد حمایت قرار گرفته است، اما از جانب طیفی از جریانات سیاسی آنهم با رنگ و لعاب «چپ» آگاهانه برای خاک‌پاشاندن در چشم مردم تبلیغ می‌شود و بی‌شرمانه امپریالیسم آمریکا را، این بزرگ‌ترین تروریست دولتی جهان و ناقض حقوق ملل و حقوق بشر، که چندین کشور را در دو دهه اخیر در خاورمیانه به خاک و خون کشیده و ویران کرده است، بی‌خطر و دوست مردم ایران جلوه می‌دهند. این «چپ‌های پُرو امپریالیستی اطمینان می‌دهند در صورت استقرار یک «حکومت شورایی در ایران» به بحران و نزاع ایران و آمریکا پایان داده خواهد شد. به زعم این نوکران امپریالیسم مشکل فقط جمهوری اسلامی است. با سرنگونی آن مشکل ما با امپریالیسم آمریکا حل خواهد شد! اذهی خیال باطل! شعار صحیح در مبارزه علیه جمهوری جنایتکار اسلامی برای کسب حقوق دموکراتیک و مطالبات اقتصادی و سیاسی این شعار است «دشمن ما همینجاست، همانجاست!» این شعار تلفیق مبارزه ضد رژیمی با مبارزه ضد امپریالیستی است و سیاستی برای ممانعت از درغلطیدن مردم از این چاه به آن چاه است. برای پاکیزگی مبارزه دموکراتیک و ضد امپریالیستی و برای ایرانی آباد و آزاد و شکوفان و مستقل باید علیه دشمنان خارجی و مزدوران استعمار بایستیم و در تنویر افکار و روشنگری بین توده‌ها کمر همت به بندیم. غفلت در این امر برای جنبش مردم ایران هلاکت‌بار است. •



اسلامی در ایران تلقی شود، بلکه حضور ما به خاطر دفاع از یک حق دموکراتیک و به رسمیت شناخته شده جهانی است که باید شامل همه کشورهای جهان، جدا از وسعت، ایدئولوژی و ماهیت حکومت کشورها باشد. همچنین در بیانیه تسریع شد که تعیین سرنوشت خلق ایران تنها به عهده مردم ایران است و نه یک نیروی متجاوز، غارت گر و ارتش ضدبشری خارجی.

متن بیانیه حزب کار با استقبال و حمایت کامل از سوی شرکت کنندگان خارجی روبرو شد.

حاضران در صحبت های کناری این تظاهرات، به حزب کار ایران (توفان)، که با شهادت از مواضع اصولی و صحیح خود دفاع می کند، تبریک گفتند و تشویق کردند که حزب کار ایران (توفان) باید به فعالیت های خود همین گونه و بدون مداخلات و بدون سرخم کردن در برابر فشار دولت آلمان و تبلیغات یک سوئه رسانه های صهیونیستی ادامه دهد.

احزاب «چپ» نما و خودفروخته و به اصطلاح انقلابی که از اطاق های و محافل سابقه دار فکری صهیونیستی در فرانکفورت الهام گرفته و تغذیه می شوند و تروریسم و نقش داعش در منطقه را مورد تأیید قرار می دهند، در این تظاهرات نه تنها شرکت نکردند، بلکه تلاش کردند بر ضد آن به نفع امپریالیسم و صهیونیسم تبلیغ نمایند. در پی برگزاری نمایشاتی به نفع تجاوز به ایران و تحریم مردم ایران به بهانه «مبارزه» با جمهوری اسلامی باشند. حاضران غیرایرانی هیچگونه تفاهمی برای عدم شرکت این سازمان ها و احزاب در تظاهرات ضدجنگ نداشتند، زیرا که مخالفت با تجاوز به ایران را بدیهی می دانستند. آنها نمی دانستند که این سازمان ها و گروهک های خودفروخته ایرانی، متحد امپریالیسم و صهیونیسم هستند و خودشان قصد دارند در پا رکابی امپریالیسم آمریکا به ایران حمله کنند. در نتیجه این مبارزه، این سازمان های صهیونیستی در نزد نیروهای مترقی آلمانی افشاء گردیدند و زمینه عوام فریبی فعالیت آنها از بین رفت. مبارزه بر ضد یاران امپریالیسم و صهیونیسم که همکاری خود را با ارتجاع جهانی پشت مبارزه با تبهکاری جمهوری اسلامی پنهان می کنند

ادامه دارد.

پایان دادن به پشتیبانی از نیروهای نظامی مستقر در پایگاه های آمریکایی در آلمان، به ویژه پایگاه هوایی «رامشتاین» که مرکز هدایت پهپادهای آمریکایی برای ترور و قتل می باشد.

عدم حمایت نقل و انتقالات نیروهای نظامی، انبار و انتقالات سلاح های آمریکا از پایگاه های نظامی خود در آلمان.

پایان دادن به تبادل اطلاعاتی با آمریکا و خروج دولت آلمان از «توافق نامه استقرار نیروهای نظامی آمریکا».

گروه «کارگاه صلح و آینده در شهر فرانکفورت» و طرفداران صلح و جمعی از کمونیست های ایرانی و صلح دوستان از دولت آلمان همچنین خواستند اکیدا از هرگونه پشتیبانی در ماجراجویی های جنگی آمریکا خودداری کند و خواستار خروج کلیه نیروهای نظامی آلمان از خاورمیانه شدند.

فعالان حزب کار ایران (توفان) در مرکز آلمان با شرکت فعال خود در حمایت از این آکسیون، اطلاعیه ای را به سمع شرکت کنندگان رساندند. بیانیه در تعداد زیادی به زبان های فارسی و آلمانی به چاپ رسیده بود و میان شرکت کنندگان و حتی عابران در محل تظاهرات پخش شد. حزب کار، پلاکات هایی با شعارهایی به زبان انگلیسی با مضمون: «دست ها از ایران کوتاه، نه به تحریم و نه به جنگ» حمل می کرد که در میان شرکت کنندگان نیز پخش کرد. سپس بیانیه حزب



کار(توفان) به زبان آلمانی قرائت شد. در این بیانیه با اشاره به ترور سردار قاسم سلیمانی که به دعوت دولت عراق و پادرمیانی دولت های عراق و پاکستان جهت کاهش تنش ها در منطقه و بهبود روابط میان ایران و عربستان سعودی در راه بود، تاکید شد که این قتل توسط دولت رسمی آمریکا در کشوری که به اشغال خود درآورده است، گشایش فصل جدیدی در عرصه دیپلماتیک جهانی است که نقض رسمی تمامیت ارضی کشور عراق و نقض پیمان سازمان ملل متحد است. در ادامه بیانیه به استحضار حضار رسید و تأکید شد که حضور ما در اینجا نباید حمایت از رژیم ارتجاعی و ضد مردمی جمهوری



آمریکا باید منطقه خاور میانه را ترک کند

از زمانی که امپریالیسم آمریکا خاک افغانستان و عراق را در منطقه اشغال کرده است، به افزایش تعداد پایگاه‌های تجاوزکارانه نظامی در منطقه دست‌زده و از فروش تسلیحات نظامی میلیارد‌ها دلار سود برده است. سیاست ایجاد تنش، آشوب در افغانستان، عراق، سوریه و یمن که منجر به کشته شدن صدها هزار انسان شده است، مورد حمایت و استفاده آمریکاست. این سیاست ضدبشری موجی از مقاومت خلق‌ها و دولت‌های منطقه را علیه دولت آمریکا و متحدانش در منطقه برانگیخته است. آمریکا با اقدامات غیرقانونی، نقض قوانین بین‌المللی، حق حاکمیت ملی کشورها، تروریسم آشکار، تجاوز به کشورهای مستقل و تأسیس «القاعده» و «داعش» در منطقه وضعیت متشنج و ناامنی در جهان ایجاد کرده است. اصابت تاسف‌آور موشک ایران به هواپیمای اوکراین محصول همین سیاست قانون جنگل است که آمریکا به همه ممالک جهان تحمیل کرده است.

ترور سردار قاسم سلیمانی، یک مقام رسمی و نظامی ایران، که با گذرنامه دیپلماتیک برای تشنج‌زدائی و تلاش برای نزدیکی با عربستان سعودی با پادرمیانی دول عراق و پاکستان به عنوان مهمان دولت عراق در فرودگاه بین‌المللی بغداد به دستور رئیس جمهور آمریکا مورد هدف قرار گرفت، اقدامی جنایت‌کارانه و در مغایرت کامل با قوانین به رسمیت شناخته شده جهانی بود و فصل جدیدی را در شرایط صلح در عرصه دیپلماتیک در جهان گشوده است. از این به بعد قانون گرگ‌ها در جهان مستقر می‌شود. ترور قاسم سلیمانی ممانعت از تشنج‌زدائی در منطقه بود و آمریکا می‌خواهد با ایجاد آشوب و ترویج تروریسم، تسلیحات نظامی خود را در منطقه فروخته و حضور خود و پایگاه‌هایش را در منطقه توجیه کند.

ما امروز در اینجا جمع شده‌ایم که مخالفت خویش را با استقرار قانون گرگ‌ها در جهان ابراز کنیم. قانونی که هر روز یک

کشور را می‌تواند به عنوان طعمه خود قلمداد کند. ما امروز در اینجا جمع شده‌ایم تا به سیاست بمباران آثار باستانی بشریت در ایران، که آقای ترامپ آنرا اعلام کرده است، اعتراض کنیم و اعلام نمائیم که این اقدام وی یک جنایت جنگی است.

ما در اینجا گردآمده‌ایم که از ویرانی ایران جلوگیری کنیم و مخالفت خویش را با توحش و بربریت امپریالیستی و صهیونیستی در منطقه اعلام نمائیم.

ما در اینجا گردآمده‌ایم تا به ویرانی افغانستان، عراق، سوریه، یمن و فلسطین به دست امپریالیسم و صهیونیسم و ناتو اعتراض نمائیم.

حضور ما در اینجا نباید حمایت از رژیم ارتجاعی و ضد مردمی جمهوری اسلامی در ایران تلقی شود؛ حضور ما دفاع از یک حق دموکراتیک و به رسمیت شناخته شده جهانی است، که باید شامل همه کشورهای جهان، صرف‌نظر از بزرگی و کوچکی و نوع ایدئولوژی و حکومت آنها گردد.

تعیین سرنوشت خلق ایران تنها به عهده مردم ایران است و نه یک نیروی متجاوز و غارت‌گر و ضدبشری خارجی.

مردم ایران یک پارچه در مقابل تجاوز بیگانگان خواهند ایستاد و از استقلال و تمامیت ارضی ایران دفاع خواهند کرد. رژیم‌های ایران می‌آیند و می‌روند ولی ایران باقی و زنده می‌ماند.

- مرگ بر جنگ‌طلبان و مداخله‌گران!
- دست آمریکا از ایران کوتاه باد!
- آمریکا باید منطقه خاور میانه را ترک کند!
- زنده باد دوستی همه ملل منطقه!
- فعالان حزب کار ایران (توفان) در آلمان

تاریخ ۲۰۲۰/۱/۲۵

این بیانیه در تظاهرات ضد جنگ به طور وسیع پخش شد و مورد استقبال تظاهرکنندگان قرار گرفت. •

آنها و در لیست شهدا قرارداد برخی از آنها را صادر نمودند؛ با این حال ابعاد جنایت و آشکاربودن آن به نحوی بود که حتی صدای نمایندگان دست‌چین‌شده و از فیلتر گذشته را هم در آورد.

«حمیده زرآبادی»، نماینده قزوین و آب یک و البرز در جلسه دوم دیماه مجلس شورای اسلامی چنین می‌گوید: «نمی‌شود بیکاری برای مردم، گرانی برای مردم، سختی برای مردم، محاصره اقتصادی ضررش مستقیم متوجه توده مردم، آخرش هم پول مملکت را بدهند به این مسئول و آن مسئول تا بخورد و به ریش مردم و انقلاب بخندد. باید سؤال کرد این ارگان‌های موازی این پول‌ها را می‌گیرند چه خدمتی به مردم می‌کنند، جز اینکه آخرش به مردم درشت‌گویی کنند.

این روزها در پی حوادث اخیر (آبانماه)، زنان و مردان سرزمین داغی بر سینه دارند؛ داغ جوانانی که تنها جرم‌شان این بود که به وضعیت معیشتی اعتراض داشتند و خونشان ریخته شد و بعضی‌ها آنقدر یاغی و گردن‌کش شده‌اند که نه تنها پول مملکت را می‌خورند، بلکه از جان‌باختن افراد بی‌گناه به گونه‌ای سخن می‌گویند که داغ بر داغ این مردم بیافزاید. این چه حرفی است که انقلاب حضامت شد. وای به حال شما! این خون‌های ریخته را چگونه می‌خواهیم جواب دهیم؟ چندبار باید از این داغ بمیریم؟ اینها همه مردم هستند! اگر نیستند، بگوئید تا بدانیم؛ چه کسی مشخص می‌کند که چه افرادی حق شهروندی دارند؟ تمام کنید این خودی و غیر خودی را که تنها عده‌ای می‌توانند هر حرف و سخنی را بزنند و پاسخگو هم نباشند. این ضعف ماست که نتوانسته‌ایم حقی را که در قانون برای اعتراض مردم در نظر گرفته شده است، مهیا کنیم. این ضعف ماست که سر در زیر برف برده و از یاد برده‌ایم که تمام سرمایه این کشور مردم هستند نه چاه‌های نفتی که با یک امضاء تقدیم می‌شود و بانک‌ها و موسساتی که پر از اختلاس و رباست. آقای رئیس‌جمهور امیدوارم که نگوئید از حوادث آبانماه هم بی‌خبر هستید. مگر شما نبودید که می‌گفتید من سرهنگ نیستم و حقوقدان هستم. حال در جایگاه رئیس‌جمهوری و حقوقدان از حقوق مردم دفاع کنید! به قول امام خمینی این مردمی که شما را روی کار آوردند، این مردم کوچه و محله و زاغه‌هایی را که شماها را روی مسند نشاندند، ملاحظه آنها را بکنید. بترسید از آن روزی که بفهمند در باطن ذات شما چیست».

خانم «سیده حمیده زرآبادی» با بیان این نقل قول و تاکید بر «باطن ذات» آقایان به نکته‌ای کلیدی اشاره دارد که درواقع چیزی جز ماهیت طبقاتی حاکمیت نیست! همان واقعیتی که خمینی در پوشش اسلام‌خواهی و وعده و وعیدهای سرخرمن از زحمتکشان پنهان می‌کرد و به خامنه‌ای هشدار می‌داد از آن «یوم‌اللهی» که مردم زاغه‌نشین پی به ماهیت طبقاتی حاکمیت مافیایی، کثیف، پلید، دزد، جنایتکار و حيله‌گر اسلامی ببرند! •



قیام محرومان، «یوم الهی» که خمینی از فرارسیدن آن، وحشت داشت!

«از آن روزی بترسید که خدای نکرده یکی از «ایام الله» پیدا بشود و مردم زاغه‌نشین بفهمند در باطن ذات شما چیست، و یک انفجار حاصل بشود؛ آن روز فاتحه همه ما را می‌خوانند!»

خیزش خودجوش محرومان، که از دیماه ۹۶ در اعتراض به گرانی افسارگسیخته و وضعیت معیشتی از شهر مشهد و نیشابور آغاز شد و به سرعت بیش از یکصد شهر ایران از شرق تا غرب و از شمال تا جنوب ایران را دربرگرفت، هر چند با سرکوب و کشتار و زندان موقتاً توانستند شعله‌های ملتعب خشم آنها را کنترل کنند، همچون آتش زیر خاکستر و اینبار گسترده‌تر و ملتعب‌تر از قبل، مجدداً در آبانماه ۹۸ سراسر ایران را دربرگرفت. جنایتکاران حاکم، گرازهای وحشی تا دندان مسلح خود را برای نشان دادن «اقتدار» به جان جوانان محروم و له شده و جان به لب رسیده انداختند تا سراسر ایران را به جبهه جنگی طبقاتی و نابرابر تبدیل کنند و یکبار دیگر به مردم یادآور شوند که به خاطر حفظ نظام «مقدس» حاضر به هرگونه جنایت و شناعت و رذالتی هستند! چند هزار کشته و زخمی و چندین هزار زندانی دیگر، محصول نبرد «مقتدارانه» و «قهرمانانه» نیروهای مسلح نظام مقدس با زحمتکشانی بود که جز فریاد علیه بی‌عدالتی و مشت‌های گره‌کرده سلاحی در اختیار نداشتند! این جنایت و قضاوت به حدی بود که حتی خود جانپان را به دست و پا انداخت که باز با انبانی از نیرنگ، فریب، دروغ و جعل توجیهاتی دست و پا کنند. کشتار محرومان را به گروه‌هایی از آن سوی مرز آمده، نسبت دادند و دستور دل‌جویی از خانواده

نامه‌ای از ایران در مورد اوضاع داخلی و خارجی

«جام جهان زخون دل عاشقان پُراست - حرمت نگاه دار
گرش نوش میکنی»

..... بیش از صد سالی است که مردم ایران برای آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی مبارزه می‌کنند. در این راه جان‌های شیرینی را از دست دادند، اما هنوز هم به اهداف‌شان دست نیافتند.

انقلاب مشروطیت با دخالت بیگانگان، روسیه تزاری و انگلیس، و با خیانت خائنین داخلی و با توسل به کودتای سید ضیا و رضاخان، در اسفند ۱۲۹۹ به شکست انجامید. در نهضت ملی کردن نفت، باز بیگانگان، اینبار آمریکا و انگلیس، و با خیانت خائنین داخلی، توسط کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ موفق به شکست جنبش شدند. در انقلاب ۵۷ باز هم اجنبی‌ها، آمریکا، انگلیس، فرانسه و آلمان توانستند با کمک خائنین داخلی سوار بر موج قیام مردمی شوند و ملت ایران را به این روزگار ظلمت و سیاهی بکشانند.

فاکتور اساسی در شکست هر سه مورد، بی‌سوادی سیاسی و اجتماعی در شناخت دوست از دشمن بود! و شوربختانه این رشته در کلیت‌اش سر دراز دارد! هنوز هم هستند کسانی که از بیداد نظام سرمایه‌داری جمهوری اسلامی دل به «یاری و کمک» امپریالیسم آمریکا، این قاتل میلیون‌ها انسان، از جنگ کره و ویتنام گرفته تا آمریکای لاتین و خاورمیانه، بسته‌اند. این جماعت نادان و بی‌سواد سیاسی بدون اینکه وابسته به فلان یا بهمان گروه و یا سازمان سیاسی باشند، قادر به تشخیص دوست از دشمن نیستند. نفرت بی‌اندازه از عملکرد رژیم، بی‌اطلاعی از تاریخ و بی‌عملگی‌شان در مبارزه، آنان را به راه خطا کشانده است و می‌کشاند. از حمله هوایی آمریکا به کتائب حزب‌الله (الحشد الشعبی)، از ترور قاسم سلیمانی و ابومهدی مهندس و هشت نفر دیگر از همراهانشان ابراز خوشحالی می‌کنند و ابلهانه آمریکا را ناجی می‌پندارند.

ازاینها که بگذریم دیگه چه کسانی از حمله نظامی آمریکا به عراق، لیبی، افغانستان، سوریه و ایران شادمان شدند و میشوند؟ سلطنت‌طلبان، مجاهدین مریم رجوی‌ها، دارودسته حمیدتقوایی به نام «حزب کمونیست کارگری ایران» که الحق نه کمونیست هستند و نه کارگری و نه ایرانی. چونکه همین دیروز یکی از سخنگویان‌شان، به نام اصغر کریمی در کانال ماهواره‌ای‌شان به اسم «کانال جدید»، هم ناسیونالیسم (ملی‌گرایی) و هم حق حاکمیت و دفاع از تمامیت ارضی را کاملاً ارتجاعی خواند و هم بی‌شرمانه از جداشدن خلق‌های ایران حمایت نمود! غیر از این سه گروه نامبرده، داعشی‌ها، جبهه النصره، القاعده، ناتانیاهو، جان بولتون، بن سلمان، ایرانیان

«جمهوری خواه و شورای گذار»، گردانندگان کانال ماهواره ای من و تو، ایران اینترنشنال، فرشگردی‌ها، یا همان حزب رستاخیزی‌ها و دیگر مرتجعین و دشمنان مردم ایران هم رقص و پایکوبی کردند. همه اینانی که در بالا از ایشان نام برده شد، عامدانه نوکران و جیره‌خواران و سرسپردگان نظام سرمایه داری جهانی‌اند. چطور میتوان پذیرفت که آمریکا از آن سوی کره زمین بیاید و خاورمیانه را به خون مردمان و باشندگان آن رنگین سازد؟! آیا باید نوکری امپریالیسم آمریکا را پذیرفت؟

یک فرشگردی، در کانال ایران اینترنشنال گفت که: قاسم سلیمانی بیش از ۵۰۰ هزار نفر از مردم سوریه را کشتار کرد. با این حساب نتیجه می‌گیریم که داعش و جبهه النصره و القاعدی‌ها، با کمک آمریکا، عربستان و ترکیه و غیره ... از مردم سوریه دفاع می‌کردند و حامی رژیم اسد بودند که سقوط نکند!؟

در اول ژانویه ۲۰۲۰ روزنامه واشنگتن پست نوشت:

«اینکه سفارت آمریکا در بغداد را صرفاً یک ساختمان دیپلماتیک بخوانیم، به شدت اندازه و مقیاس آنرا کوچک شمرده‌ایم. با مساحت ۴۲۰ هزار متر مربع، معادل ۴۲ هکتار، این مجموعه تقریباً به اندازه شهر واتیکان است». با این حساب سفارتخانه امپریالیسم آمریکا در بغداد، یک کشور کوچک در خاورمیانه است! با بیست هزار نفر پرسنل نظامی، اطلاعاتی و سفارتی و غیره... این سفارتخانه کانون جنگ و توطئه علیه کشورها و مردمانی است که «سرکش‌اند» و تسلیم سیاست‌های آمریکا نمی‌شوند. سواى سفارت اینچنانی، ده‌ها پایگاه نظامی و ده‌ها هزار نیروی نظامی مستقر در آنها را به این «سفارتخانه» باید اضافه کرد!

رویداد اخیر، مبارزات به حق کارگران و دیگر اقشار زحمتکش ایران، برای رهایی از ظلم و جور حاکمان رژیم اسلامی و همچنین مبارزات و دادخواهی مردم عراق علیه بیکاری، علیه فساد و غارت را، عجالتاً به سایه بُرد.

ارسال نامه، بعد از وقایع اخیر، از طرف سردمداران آمریکا به سفارت سوئیس، برای رژیم سرمایه‌داری ایران، جای بسی شگفتی است!؟

کمونیست‌ها با حفظ استقلال فکری‌شان، از جبهه واحدی، سواى قومیت، نژاد و مذهب، در پیکار علیه امپریالیسم، صهیونیسم و فاشیسم، استقبال خواهند کرد! چون از این طریق و با چنین اتحادی می‌توان متجاوزین کشور و منطقه و رژیم‌های سرکوب‌گر را تاراند و به استقلال و آزادی دست پیدا کرد! امنیت و آرامش در خاورمیانه تنها در گرو مبارزه علیه سیاست‌های تجاوزگرانه نظامی و سیاسی آمریکاست! زیرا که هنوز هم دشمن شماره یک خلق‌های جهان در رهایی از استعمار و استثمار است!•

کشاورزی بوده که ۲۱۱ میلیارد تومان خسارت را به خود اختصاص داده است».

به گفته «زورقی»، «سیل اخیر به ۲۵ هزار و ۶۴۵ هکتار از اراضی زراعی، یک هزار و ۴۶۸ حلقه چاه و چاهک، ۱۶۲ باب استخر، ۶ واحد مرغداری، ۵۴۰ رشته قنات، ۶۲۰ کلونی زنبور عسل و... خسارت وارد کرده است».

رئیس سازمان جهاد کشاورزی استان سیستان و بلوچستان روز شنبه ۲۸ دی میزان خسارت به بخش کشاورزی در ۱۵ شهرستان سیل زده به جز بخش شیلات را بیش از ۶۴۰ میلیارد تومان اعلام کرده بود.

بیشتر این خسارات به مزارع و باغات به ویژه باغات میوه های گرمسیری به مساحت ۷ هزار هکتار، اراضی زراعی به مساحت ۲۵ هزار و ۶۴۵ هکتار، تلف شدن ۷ هزار و ۳۲۲ رأس دام سنگین و سبک، تخریب یک هزار و ۴۶۸ حلقه چاه و چاهک و ۵۴۰ رشته قنات، یک هزار و ۲۰۷ واحد دامداری، ۶۲۰ کلنی زنبور عسل، ۶ واحد مرغداری، ۱۶۲ باب استخر ذخیره آب، ۲۲۰ مورد بندسار حفاظتی مزارع و آب خیزداری، سیستم های نوین آبیاری در سطح ۴ هزار و ۳۹۵ هکتار، ۱۰۲ کیلومتر لوله انتقال آب و ۱۶۱ کیلومتر جاده دسترسی به مزارع بوده است.

«احمدعلی موهبتی»، استاندار سیستان و بلوچستان یکشنبه ۲۹ دیماه گفت: «بیش از ۱۰۰ هزار کیلومتر در این استان درگیر سیل بود که ۶۱ هزار کیلومتر مربع آن وضعیت بحرانی داشت و یک هزار و ۵۴۲ روستا در این منطقه آسیب دید که این تعداد بالای روستا و پراکندگی و عدم دسترسی، صعب العبور بودن و گستردگی مناطق، خدمت رسانی را سخت کرده بود. استان سیستان و بلوچستان ۱۸۶ هزار کیلومتر مربع وسعت دارد».

هنوز آمار دقیقی از تلفات جانی و مالی در دست نیست. فقدان برنامه ریزی و عدم سرمایه گذاری کافی برای مقابله با چنین حوادثی، عدم اطلاع رسانی شفاف و بسیج عمومی مردمی جهت کمک رسانی به هموطنان آسیب دیده ما، بازهم بیش از پیش بی تدبیری و ماهیت فاسد و بی کفایت جمهوری اسلامی را برملا ساخت.

حزب کار ایران (توفان) ضمن ابراز همدردی و همبستگی با مردم سیل زده سیستان و بلوچستان از دوستان و هواداران حزب و همه مردم آزاده می خواهد با استفاده از تجربیات کمک رسانی فاجعه سیل و طوفان در سال گذشته در شهرهای شمال و جنوب و سایر شهرهای ایران و با بسیج افکار عمومی در داخل و خارج و به هر طریق ممکن به یاری سیل زدگان بشتابیم.

حزب کار ایران (توفان)

دوم بهمن ماه ۱۳۹۸



به یاری هموطنان سیل زده در سیستان و بلوچستان بشتابیم

همدردی با هموطنان سیل زده سیستان و بلوچستان

بارش باران و طغیان سیل در بسیاری از نقاط استان سیستان و بلوچستان ویرانی عظیمی به بار آورده است. خانه های مسکونی ویران شده اند. در زراعت بلوچستان، که بخش اعظم موز کشور را تأمین می کند، بیش از هزار هکتار باغ موز کاملاً تخریب شده است.

در کنار محرومیت ها و فقر شدیدی که مردم این استان مانند سایر نقاط ایران با آن دست به گریبان اند، پرسشی که همواره و در هر فاجعه ای مطرح می شود، این است که آیا امکان ممانعت و پیش گیری این بحران وجود داشت؟ آیا این فاجعه یک غضب الهی است یا یک بی تدبیری و بی کفایتی و یک فاجعه زمینی؟ آیا چنین سیلی سرزده آمد و با مدیریت صحیح می شد از ابعاد فاجعه کاست؟ در همین رابطه «مریم طالشی»، خبرنگار روزنامه ایران در تویتر می نویسد: «تمام آبی که در حال حاضر به صورت سیل در دشتیاری جاری شده، به خاطر باران نیست. بخشی از آن نتیجه سرریز شدن سد زبردان چابهار است. با وجود اینکه از دو هفته پیش نسبت به وقوع بارندگی شدید هشدار داده شده بوده، آب سد رهاسازی نشده و همین شدت سیلاب را بیشتر کرده است».

«غلام حیدر زورقی»، رئیس سازمان جهاد کشاورزی استان سیستان و بلوچستان اعلام کرد که «اخیراً بارش باران در بخش کشاورزی جنوب استان سیستان و بلوچستان ۷۴۶ میلیارد تومان خسارات بر جای گذاشته که بیشترین آن در بخش اراضی



در جبهه نبرد طبقاتی

اخبار و گزارشات کارگری دیماه ۱۳۹۸

دیماه با شب یلدا آغاز شد، شبی که نماد پیروزی روشنایی بر تاریکی است و به همین جهت هزاران سال است که در ایران و کشورهای همجوار ایران جشن گرفته می‌شود. ولی به دلیل وجود نظام سرمایه‌داری اسلامی در ایران مدت‌هاست که هر سال مردم ایران حسرت سال‌های قبل را می‌خورند و در هر جشنی می‌گویند دریغ از پارسال!

دیماه امسال به دنبال آبان و آذر خونین آمد و سیاست سرکوب و فقیرسازی نئولیبرال‌های ایرانی، که مو به مو دستورات سازمان‌های مالی امپریالیستی را به مورد اجرا می‌گذارند، تا زمینه ورود سرمایه‌های امپریالیستی آماده شود، کماکان ادامه یافت. گران‌ساختن بنزین به دنبال گران‌سازی تمامی مایحتاج مردم شعله بر زندگی مردم انداخت و خشم زحمتکشان را موجب گشت و سرکوب گران اسلامی وحشت‌زده به کشتار مردم له شده در زیر خط فقر پرداختند به گمان آنکه حکومت خود را جاودانی کنند.

کارگران و زحمتکشان ایران، که با غول سرمایه‌داری اسلامی درگیر هستند، از جانب امپریالیست‌ها نیز در زیر فشار تحریم‌های غیرانسانی قرار گرفته‌اند. علاوه بر سختی مضاعف برای تهیه ضروریات زندگی، تهدید مداوم و جان‌فرسای جنگ احتمالی نیز بر مشکلات‌شان افزوده شده است، که این موضوع نیز خود موجب سرکوب بیشتر از طرف رژیم می‌شود.

شبه ۳۶ دادگاه تجدیدنظر استان تهران «اسماعیل بخشی»، «محمد خنیفر»، «سپیده قلیان»، «امیر امیرقلی»، «امیرحسین محمدی فرد»، «ساناز الهیاری»، «عسل محمدی»، «عاطفه رنگریز» و «مرضیه امیری» هر یک را به ۵ سال حبس قطعی

محکوم کرد. «علی نجاتی» نیز در دادگاه انقلاب تهران به ۵ سال حبس محکوم شد. این احکام ظالمانه، که بطور ناگهانی و در غیاب متهمان و وکلای آن‌ها صادر شده بود، روز ۲۵ آذر ابلاغ گردید. دو روز پس از ابلاغ این احکام، روز چهارشنبه ۲۷ آذر، «یوسف بهمنی»، «ابراهیم عباسی منجری»، «محمد خنیفر»، «مسلم چشم خاور»، «ایمان اختری» و «خدائی» به اتهام اخلال در نظم عمومی در شعبه ۱۰۲ کیفری ۲ شهرستان شوش به ریاست قاضی «سراج» مورد محاکمه قرار گرفتند. رژیم سرمایه‌داری اسلامی، که به وحشت مرگ و تشنجی کشنده گرفتار گشته است، تمام قد و با شمشیر خون چکان و از رو بسته خود به عربده کشی روی آورده تا صف متحد و یکپارچه کارگران را از مقابل خود بردارد و گمان برده است که با زندان و شکنجه می‌تواند در عزم کارگران و زحمتکشان خللی وارد آورد. زهی خیال باطل!

نظام مقدس! که نه می‌خواهد و نه می‌تواند معضلات اجتماعی را حل کند و گویا وظیفه‌ای در مقابل مردم سیل‌زده، بیکار، فقیر، حاشیه‌نشین و ... برای خود احساس نمی‌کند، فقط و فقط به سرکوب و بیکارسازی و تحمیل فقر بیشتر و هر آنچه ایجاد فساد می‌کند، می‌پردازد و البته بدین شکل تیشه بر ریشه خود می‌زند و قبر خود را می‌کند. هر قدر بیشتر تلاش می‌کند ارتش زحمتکشان را بیشتر در مقابل خود می‌یابد، زیرا تا ظلم وجود دارد، مبارزه نیز ادامه می‌یابد. اگرچه سرکوب شدت یافته است، ولی مبارزه نیز جریان می‌یابد. در ذیل بر بخشی از وقایع مبارزاتی وقوع‌یافته در دیماه نظری می‌اندازیم:

زندانیان جنبش کارگری

۱ دی

«آرش گنجی» مترجم و منشی کانون نویسندگان ایران، در منزل خود بازداشت و به مکانی نامعلوم منتقل شد.

شده است. صدور اینگونه احکام نشان از آن دارد که حامیان زر و زور برای دفاع از منافع سرمایه‌داران دست به هر کاری خواهند زد، اگر لازم باشد با تک‌تیراندازها مردم گرسنه را در خیابان‌ها مورد اصابت قرار می‌دهند و آنجا که این امکان را داشته باشند، با احکام فله‌ای کارگران و مدافعان جنبش کارگری را به بند می‌کشانند. سندی‌کای کارگران نیشکر هفت تپه صدور احکام ضد کارگری را محکوم کرد و اعلام داشت که طبقه کارگر با زندان و شکنجه مرعوب نخواهد شد.

۹دی

محروریت «گلرخ ایرایی» و «آرش صادقی» از ملاقات و تماس تلفنی.

«سها مرتضایی» در دهمین روز اعتصاب غذای خود به دلیل عدم امکان تأمین وثیقه ۵۰۰ میلیون تومانی، به بهانه آزادشدن، از بند امنیتی زندان اوین به زندان قرچک ورامین منتقل شد.

۱۰دی

شماری از زندانیان سیاسی زندان مرکزی اهواز (شیبان) که همگی از بند ۵ در سال گذشته به وضعیت‌شان در زندان اعتراض کرده بودند، هر کدام به سه سال حبس محکوم شدند. کانون نویسندگان ایران «خطاب به همه نویسندگان و مدافعان آزادی بیان در جهان» بیانیه‌ای منتشر کرد و خواستار لغو حکم زندان سه نویسنده عضو کانون شد. در این بیانیه آمده است که «کانون نویسندگان ایران از نویسندگان، هنرمندان و نهادهای فرهنگی و حقوق بشری داخل ایران و خارج از آن و از انسان‌های منصف و آزادی‌خواه انتظار دارد که از هر راه و روش ممکن و مناسب به حکم‌های انشاء شده برای رضا خندان (مه‌بادی)، بکتاش آبتین و کیوان باژن اعتراض کنند و خواهان لغو آنها شوند. با بلند کردن صدای اعتراض در هر جای جهان نباید اجازه داد صاحبان قدرت در حق نویسندگان ستم روا دارند و این حکم‌های ناعادلانه را به اجرا درآورند».

۱۱دی

«رها عسکری‌زاده» فعال حقوق زنان، که از هفتم آذرماه در بازداشت بود، امروز با قرار وثیقه از زندان اوین آزاد شد. کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری اعلام کرد: «ماهرخ روستا»، «فراز روشن»، «کاوه مظفری»، «جلوه جواهری»، «فروغ سمیع‌نیا»، «احمد زاهدی» و «هومان تحریری» که در سلول‌های انفرادی اداره اطلاعات بودند، به زندان‌های «لاکان» و «ضیابر» انتقال داده شدند. کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری، ادامه بازداشت این عزیزان را شدیداً محکوم کرد و خواستار آزادی بی‌قید و شرط آنها شد.

کانون صنفی فرهنگیان گیلان دستگیری روزنامه‌نگاران و فعالان مدنی را محکوم نمود و خواستار آزادی همگی آنان گشت.

معلم زندانی «عبدالرضا قنبری» از زندان گوهردشت آزاد شد. برای آزادی تمامی معلمان زندانی از جمله «محمد حبیبی»، «اسماعیل عبدی»، «محمود بهشتی» و تمامی کارگران و زندانیان سیاسی بکوشیم.

برای «علی اسحق» از زندانیان سیاسی دهه شصت، که نزدیک به یک ماه پیش بازداشت شده است، قرار وثیقه ۳۰۰ میلیونی صادر شد.

۱۳دی

کانون نویسندگان ایران بازداشت «آرش گنجی» را محکوم کرد و خواهان آزادی فوری و بی‌قید و شرط او و همه زندانیان سیاسی و عقیدتی شد.

جلسه بی‌دادگاه رسیدگی به شکایت! وزیر اطلاعات از «اسماعیل بخشی» با موضوع واهی «نشر اکاذیب» و در واقع به دلیل «افشای شکنجه» در دوران بازداشت، برگزار شد. «اسماعیل بخشی» در حین دستگیری مورد آزار و اذیت‌های بدنی و روحی قرار گرفته بود.

در هفتاد و سومین روز نافرمانی مدنی «محمد حبیبی» و «فرهاد میثمی» و «برزان محمدی» و «مهدی مسکین نواز»، در اعتراض به تضییع حقوق زندانیان در زندان، بار دیگر «محمد حبیبی» ممنوع الملاقات شد.

۵دی

«جعفر ابراهیمی» و جمع کثیری از شرکت‌کنندگان در مراسم چهلم جان‌باختگان آبان بازداشت شدند. اتحاد بازنشستگان بازداشت «جعفر ابراهیمی» را محکوم کرد و خواستار آزادی هر چه سریع‌تر وی و دیگر بازداشتیان بدون قید وثیقه شد.

۸دی

در بی‌دادگاه تجدیدنظر به ریاست قاضی «زرگر» بدون دعوت از متهمان و وکیلان‌شان احکام بدوی صادره برای «رضا خندان (مه‌بادی)» و «بکتاش آبتین» عیناً تأیید شد و حکم «کیوان باژن» به سبب نداشتن سابقه کیفری به سه و نیم سال حبس تعزیری کاهش داده شد. یعنی مجموعاً ۱۸۶ ماه زندان برای انتشار نشریه داخلی، آماده‌سازی کتاب «پنجاه سال کانون نویسندگان ایران» و شرکت در مراسم بزرگداشت اعضای کانون صادر شد. به اعتقاد کانون نویسندگان، هدف این گونه محاکم و احکام در چند دهه اخیر «پراکندن رعب و وحشت و سرکوب آزادی بیان» است. زهی خیال باطل!

براساس خبر منتشر شده در کانال سندی‌کای شرکت واحد، حکم دادگاه بدوی، ۵ سال زندان «حسن سعیدی» در دادگاه تجدیدنظر تأیید شد. طی چند هفته گذشته احکام ۵ سال زندان برای کارگران هفت تپه، «علی نجاتی»، «اسماعیل بخشی»، «محمدخنیفر» و همچنین مدافعان جنبش کارگری، «سپیده قلیان»، «امیر حسین محمدی فرد»، «ساناز الهیاری»، «امیر امیر قلی» و «عسل محمدی»، در بی‌دادگاه‌های مدافع سرمایه صادر

جانی وی را بر عهده مسئولین زندان اعلام کرد و نسبت به هر گونه خطر برای سلامت وی هشدار می‌دهد.

۱۵ دی

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران در بیانیه‌ای در اعتراض به بازداشت غیرقانونی «جعفر ابراهیمی» آورده است: «در شرایطی که کشور بیش از هر زمان دیگر نیازمند وحدت و انسجام ملی است، اتخاذ چنین رویکردی در برخورد با منتقدین داخلی، آیا سست‌نمودن پایه‌های همان ساختاری نیست که ادعای حفظ آن می‌شود؟ شورای هماهنگی تشکلهای فرهنگیان، ضمن ابراز نگرانی شدید خود از وضعیت «جعفر ابراهیمی» و اعتراض به بازداشت و نگهداری غیرقانونی این معلم و فعال صنفی، خواهان آزادی هرچه سریع‌تر این همکار و تمامی بازداشت‌شدگان اخیر است.

۱۶ دی

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه احکام قرون وسطایی و هرگونه پرونده‌سازی برای کارگران را محکوم کرد و خواهان پایان‌دادن به احضار و تهدید کارگران از سوی نهادهای امنیتی شد.

۱۹ دی

انجمن صنفی فرهنگیان شاغل و بازنشسته کرمانشاه در دفاع از «جعفر ابراهیمی» بیانیه‌ای صادر کرد که در آن آمده است: «بازداشت جعفر ابراهیمی را محکوم کرده و خواهان آزادی بی قید و شرط این یاور کودکان کار و حامی آموزش رایگان و دیگر معلمان دربند می‌باشد».

تعدادی از اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد و دیگر فعالین کارگری و مدنی با «عبدالرضا قنبری»، معلم، نویسنده و شاعر و فعال صنفی دیدار کردند.

کانون صنفی معلمان ایران (تهران) بازداشت «جعفر ابراهیمی»، عضو کانون صنفی معلمان تهران و بازرس شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان ایران را محکوم نمود.

۲۲ دی

«محمد امین حسینی»، دبیر سابق شورای صنفی دانشگاه نوشیروانی بابل و دانشجوی حقوق دانشگاه گرگان، بازداشت شد.

۲۴ دی

«آرش گنجی»، منشی هیئت دبیران کانون نویسندگان ایران با تأمین قرار وثیقه موقتاً آزاد شد.

۳۰ دی

«حسن سعیدی»، عضو سندیکای کارگران شرکت واحد، برای اجرای حکم ۵ سال زندان فراخوانده شد. سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه صدور حکم زندان

همزمان با ادامه ناراضی‌های کارگران هپکو به دنبال اعتصاب هفته گذشته، نیروهای امنیتی دو نفر از کارگران را که در تجمعات اخیر بازداشت و با قید وثیقه آزاد شده بودند، مجدداً دستگیر کردند.

۱۲ دی

انتقال زندانیان بند زنان اوین به بیمارستان روانی رازی و تزریق آمپول روان‌گردان از روش‌های جدید اعمال فشار است که با دستور مستقیم بازپرس برای پایان‌بخشیدن به مقاومت و مبارزه انجام می‌شود. و این امری است محال زیرا تا ظلم و نابرابری وجود دارد و تا وقتی جامعه به طبقات بالادست و فرودست تقسیم شده است، مبارزه نیز ادامه دارد و از بین نخواهد رفت. چهار نسل از مادران دادخواه به همراه انسان‌های آزادی‌خواه و برابری‌طلب در مراسم خاکسپاری «حاجیه سجادی»، (مادر قادری) حضور یافتند.

«سپیده قلیان» از درون زندان نامه‌ای برای مردم فرستاد که در آن می‌خوانیم: «رابطه‌ی زندانی سیاسی با حاکمیت، از هر جناح و دسته‌ای، رابطه‌ی قربانی و جلاد است. دستگاه‌های سرکوب و نهادهای امنیتی، فعال سیاسی را به عنوان ابزاری می‌بینند که با زندانی کردنش، با شکنجه‌اش و با ساختن نامستندهای صدا و سیما در موردش، سیاست ارعاب عمومی برای پیشگیری از اعتراضات را پیش ببرند. این نهادها زندگی شخصی، حیات شغلی و وضعیت تحصیلی زندانی را با بحران مواجه می‌کنند، تا دیگرانی که دل در گروی تغییر وضعیت موجود دارند، از سرنوشت زندانی سیاسی نتیجه بگیرند که بهتر است سکوت کنند...»

۱۳ دی

«پروین محمدی»، فعال کارگری محبوس در زندان کچویی کرج در پی آسیب‌دیدگی، با دست‌بند و پابند به بیمارستان خارج از زندان منتقل شد و بدون رسیدگی مناسب پزشکی به زندان بازگردانده شده است، که عدم رسیدگی به وضعیت او برای درهم شکستن این شیرزن مبارز است.

۱۴ دی

«آنیشا اسدالهی» به سه ماه حبس تعزیری، شش ماه حبس تعلیقی و محکومیت‌های اجتماعی دیگر محکوم شد. سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه زندانی کردن «آنیشا اسدالهی»، مدرس زبان و از حامیان حقوق کارگران را محکوم میکند و لغو تمامی احکام صادره در مورد بازداشت‌شدگان روز جهانی کارگر را خواهان است.

کمیته دفاع از «جعفر ابراهیمی» با صدور اطلاعیه‌ای، ضمن محکوم کردن بازداشت این معلم، خواهان آزادی فوری «جعفر ابراهیمی» شد. همچنین این کمیته نگرانی خود را از وضعیت سلامتی این معلم بازداشتی اعلام و با توجه به بیماری «جعفر ابراهیمی» و تحت نظر پزشک بودن وی، مسئولیت سلامت

۷ کارگران را به حساب آنها ریختند. در اعتصاب امروز، بخش‌های ریل‌گذاری تولید تعمیرات، تراورس بتونی و رانندگان درزین شرکت داشتند. حدود ۲۰۰ کارگر از شروع اعتصاب در صحنه بودند.

شماری از رانندگان تاکسی یگانه سوز شهر قزوین در اعتراض به سهمیه پایین بنزین در مقابل استانداری قزوین تجمع کردند. شماری از کشاورزان شرق اصفهان در پی اطلاع از شروع مجدد حفر کانال توسط شرکت آب منطقه‌ای استان اصفهان برای انتقال آب سد زاینده رود به منطقه بن بروجن، با تجمع در محوطه سد تنظیمی زاینده‌رود، از حفر کانال و انتقال آب سد زاینده رود برای چندمین بار ممانعت کردند.

۳ دی

کارگران پیمانکاری خاتمی در معدن چادرملو یزد، برای سومین روز در اعتراض به عدم اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل، دست از کار کشیدند و خواستار پاسخ صریح، کتبی و رسمی اداره کار هستند.

کارگران شهرداری مریوان در اعتراض به عدم دریافت دستمزد در هشت ماه گذشته، دست از کار کشیدند و لاجرم سطل‌های زباله خالی نشد.

جمعی از کارگران شهرداری کوت عبدالله، بخش فضای سبز در یک هفته گذشته در اعتراض به عدم پرداخت حقوق عقب‌افتاده خود مقابل ساختمان استانداری تجمع کردند.

جمعی از پاکیاران سازمان مدیریت پسماند شهرداری مشهد در اعتراض به اخراج از کار، مقابل شورای شهر و شهرداری مشهد تجمع اعتراضی برگزار کردند.

جمعی از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شیراز در اعتراض به کاهش دستمزد کار ساعتی دانشجویان در بیمارستان‌ها دست به اعتصاب زدند و در بخش‌های مربوطه حاضر نشدند. معترضان به این تصمیم دانشگاه در بخش‌های اورژانس، اطفال، بزرگسال، پذیرش، رادیولوژی و دیگر بخش‌های بیمارستان‌های تحت مدیریت علوم پزشکی شیراز مشغول به کارند.

۷ دی

شماری از کارگران شهرداری بروجرد برای چندمین روز متوالی در اعتراض به انتقال به بخش نظافت شهری، دست از کار کشیده و اعتصاب کردند. به گفته معترضان که تعداد آنها ۳۶۰ نفر می‌باشد، پیشتر شهرداری بروجرد آنها را برای کارهای اداری و دیگر بخش‌ها استخدام کرد؛ ولی اکنون با وجود اینکه این افراد دارای مدرک تحصیلی دیپلم هم هستند، قصد دارد از آنها به بخش نظافت شهری منتقل کند. لازم به یادآوری است که کارکنان و کارگران شهرداری بروجرد بهمن ماه سال ۹۷ نیز جهت احقاق حقوق خود، ۷ روز مقابل شهرداری و فرمانداری این شهرستان دست به تجمع زدند. همچنین در اسفند ماه ۹۷ نیز کارگران و کارکنان شهرداری بروجرد به دلیل عدم پرداخت ۸ ماه حقوق عقب‌افتاده‌شان اعتصاب کرده و مقابل شهرداری

برای «حسن سعیدی» و فعالین حقوق کارگران و معلمان و حامیان حقوق کارگر را محکوم کرد و خواهان لغو کلیه احکام صادره برای آنان شد.

«محمد حبیبی» از مدت‌ها پیش به بیماری تومور استخوانی در ناحیه ساعد دست چپ مبتلا شده است. او پیش از این و در پی انتقال به زندان «فشافویه» به دلیل شرایط نامناسب بهداشتی حاکم بر زندان به بیماری عفونت ریه نیز مبتلا شده است. ممانعت از رسیدگی پزشکی به «محمد حبیبی»، معلم زندانی، از مصادیق بارز شکنجه و محکوم است.

اعتصابات کارگری

۱ دی

دومین روز از اعتصاب و تجمع کارگران تاکستان در هفت تپه. خواسته‌های کارگران تاکستان عبارتند از: ۱- بازگشت مجموعه تاکستان به اداره کشاورزی یا غیرنیشکری. ۲- تعیین تکلیف چارت کاری و عناوین خود. ۳- عدم ایجاد تبعیض و تفرقه‌افکنی شدید بین پرسنل توسط مسئولین تاکستان. ۴- برخورد با عناوینی که با پارتی‌بازی به بعضی افراد داده شده است. ۵- تغییر مدیریت تاکستان.

تجمع رانندگان مخابرات در اعتراض به پایین بودن حقوق‌شان در چند استان. این رانندگان در چند استان کشور از جمله استان خوزستان و مرکزی، در اعتراض به شرایط معیشتی خود دست به تجمع زدند.

کارگران پیمانکاری خاتمی در معدن چادرملو یزد در اعتراض به عدم اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل اقدام به تجمع کردند. کارگران کارخانه سیمان شهرکرد، که دیروز نسبت به برخی مسائل و مطالبات خود اعتصاب کرده بودند، امروز نیز اعتصاب کردند. کارگران در روز دوم اعتصاب خود از ورود رئیس کارخانه جلوگیری کردند و گفتند که اگر مدیرعامل هم بیاید نمی‌گذاریم داخل شود.

کارگران پیمانی شاغل در پروژه راه‌سازی باند دوم توره به بروجرد که در اعتراض به عدم پرداخت حدود هفت ماه از حقوق‌شان روز یکشنبه اول دیماه در محل کار اقدام به برگزاری تجمع اعتراضی کردند، روز دوشنبه در ورود به محل کار با ممانعت کارفرما مواجه شدند.

۲ دی

کارگران هپکو در اعتراض به حقوق پرداخت نشده خود و بلا تکلیفی سهام‌داری، در مقابل استانداری مرکزی اقدام به برگزاری تجمع کردند.

کارگران راه‌آهن کرج در اعتراض به عدم دریافت حقوق و مزایا، دست به اعتصاب زدند. به دنبال اعتصاب کارگران راه‌آهن کرج، صبح امروز استاندار و نماینده سپاه در محل اعتصاب کارگران، حضور پیدا کردند. همچنین مدیران راه آهن برای کنترل و آرام کردن اعتصاب‌کنندگان، بیمه برج

مرکزی تجمع اعتراضی برگزار کردند. اعتراض آنها برای چند روز متوالی ادامه داشت.

دی ۸

کارگران نی‌برهفت تپه صبح در اعتراض به وضعیت بد معیشتی دست به تجمع اعتراضی زدند.

دی ۱۰

کارگران کارخانه کک سازی و پالایش قطران زرند کرمان وابسته به شرکت تهیه و تولید مواد معدنی ایران در اعتراض به قانون جدید این شرکت (تبدیل وضعیت قرارداد از دائمی به موقت)، اقدام به برگزاری یک تجمع اعتراضی کردند. شماری از نانوایان استان قزوین روز در اعتراض به سطح عایدی خود از فروش نان در مقابل استانداری اقدام به برگزاری تجمع اعتراضی کردند.

دی ۱۱

همزمان با روز پرستار در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات معوقه و عدم اجرای قانون تعرفه گذاری خدمات پرستاری، گروهی از پرستاران در مقابل استانداری مشهد تجمع کردند

دی ۱۹

اعتصاب کارگران پتروشیمی هنگام، به دلیل عدم دریافت چند ماه حقوق خود.

دی ۲۶

رانندگان تاکسی اسنپ در تهران در یک تجمع اعتراضی با در دست داشتن بنری خواستار کاهش حق کمیسیون و پرداخت حق بیمه‌هایشان به سازمان تأمین اجتماعی شدند. آنها همچنین نسبت به استهلاک بالای خودرو و کم بودن سهمیه بنزینی که برای آنها تعیین شده است، اعتراض کردند.

دی ۲۸

کارگران پروژه آبرسانی سد گاران در سنج در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات پرداخت نشده خود، مقابل استانداری این شهر، تجمع کردند.

بازنشستگان

دی ۱

انجمن صنفی بازنشستگان از تمام فرهنگیان شاغل دعوت می کند تا به تجمع بازنشستگان در مقابل مجلس بپیوندند.

دی ۲

تجمع اعتراضی بازنشستگان، دوم دیماه در تهران علیه فقر، گرانی، بیکاری و حقوق‌های زیر خط فقر. جمعی از بازنشستگان کشوری با تجمع مقابل مجلس، به مختصات لایحه بودجه ۹۹ اعتراض کردند. در پایان قطعنامه تجمع

قرائت گردید و ضمن آن به بیان خیزش آبانماه، که دلیلی جز سیاست‌های خانه‌خواب کن مسئولین حکومتی نداشت، پرداخته شد. بخشی از شعارهایی که از طرف جمعیت بازنشسته سر داده شد، چنین بود: «معلم زندانی آزاد باید گردد!»، «زندانی سیاسی آزاد باید گردد!»، «این همه بی‌عدالتی / هرگز ندیده ملتی!»، «تا حق خود نگیریم / از پا نمی‌نشینیم!»، «نان، درمان، معیشت، حق مسلم ماست!»، «کارگر، دانشجوی زندانی آزاد باید گردند!»، «سراسر ایران زندان زحمتکشانش!».

دی ۱۹

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه و گروه اتحاد بازنشستگان با صدور اعلامیه مشترکی ضمن توضیح وضعیت اقتصادی اسفناک کارگران و زحمتکشانشان در شرایط زندگی در زیر خط فقر همراه با حرص و آز سرمایه‌داران و سیاست‌های سرکوب‌گرانه و نابخردانه اقتصادی، سیاسی، امنیتی و رژیم، در پایان اعلامیه خود آورده‌اند: «ما از همه کارگران و مزدبگیران می‌خواهیم در همه کارخانه‌ها، کارگاه‌ها، معادن، مدارس، بیمارستان‌ها، واحدهای بزرگ کشاورزی و دامداری، ادارات و دیگر واحدهای کار در سراسر کشور، مبارزه برای خواست حداقل دستمزد به میزان ۹ میلیون تومان در ماه را به پیش ببرند و با روشنگری و کار توضیحی حقانیت این خواست را برای همگان توضیح دهند. طبقه کارگر تنها با مبارزه آگاهانه، متحدانه و متشکل می‌تواند به خواست‌های خود، از جمله در حوزه اقتصادی، که مبارزه برای افزایش حداقل دستمزد بخشی از آن است، دست یابد. خواست حداقل دستمزد به میزان ۹ میلیون تومان در ماه می‌تواند مبنایی برای وحدت مبارزه کارگران در سراسر کشور گردد».

فرهنگیان

دی ۱

«شادباش آزادی»، «عبدالرضا قنبری»، معلم، شاعر، نویسنده و محقق، بعد از تحمل ده سال حبس از طرف کانون صنفی معلمان ایران (تهران).

دی ۲

در پی فراخوان تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران برای تحصن معلمان کشور، در بسیاری از مدارس کشور معلمان دست به تحصن زدند و از رفتن به کلاس درس خودداری کردند. این تحصن در مدرسه‌های شهرهای مختلف کشور از جمله در میوان، بوشهر، سنج، شیراز، صفاشهر و ... به وسیله معلمان حق خواه برگزار شد.

دیدار صمیمانه بازنشستگان و شاغلان با «عبدالرضا قنبری»، معلم و نویسنده، پس از تحمل ده سال حبس در زندان گوهردشت. جمعی از فعالین صنفی دانشجویی (دانشگاه‌های تهران، علامه طباطبائی، بین‌الملل قزوین و نوشیروانی بابل) در حمایت از

صادر کردند.

تظاهرات مردمی

دی ۹

خانواده کشته‌شدگان آبانماه تحت فشار هستند، تا از مقامات امنیتی در خانه پذیرایی کنند و بدین شکل، به خیال خود نمایشات تلویزیونی «محکوم‌سازی مبارزات و دفاع از حکومت کشتار» را که سناریویی از سوی نهادهای امنیتی است، تکمیل کرده باشند.

دی ۲۱

تجمع مردم و دانشجویان در شهرها و دانشگاه‌های سراسر کشور در محکومیت سرکوب و کشتار مردم بی‌گناه در آبانماه و فاجعه انسانی سرنگونی هوایمای مسافربری.

سرکوب و برخورد امنیتی شدید در تجمع دانشگاه امیرکبیر با ورود نیروهای امنیتی به حریم دانشگاه صورت گرفت و در اصفهان برای متفرق کردن دانشجویان از گاز اشک‌آور استفاده شد.

دی ۲۲

دانشجویان پردیس هنرهای زیبا به منظور زنده نگه‌داشتن یاد عزیزان از دست‌رفته در فاجعه ناگوار اصابت موشک با هوایمای مسافربری، و اعلام همدردی با بازماندگان، در مقابل ساختمان مرکزی هنرهای زیبا شمع روشن کردند. ورود نیروهای یگان ویژه به دانشگاه هنر اسلامی تبریز و سرکوب دانشجویان. تجمعی اعتراضی در بابل شکل گرفت که تا سردر دانشگاه نوشیروانی بابل کشیده شد.

به دنبال تظاهرات گسترده مردم در اعتراض به سرنگونی هوایمای مسافربری توسط پدافند سپاه پاسداران، اتحادیه آزاد کارگران ایران پیرامون دور جدید اعتراضات مردم، در تاریخ ۲۲ دیماه ۹۸ بیانیه‌ای منتشر کرده است. اتحادیه آزاد کارگران ایران در بیانیه خود نوشته است که «به دنبال اعتراضات دولت به شلیک موشک به سمت هوایمای مسافربری که ۱۷۶ نفر سرنشین آن کشته شدند، موجی گسترده از التهاب و اعتراض در سراسر کشور در میان مردم برافروخته شد. این ناراضی عمومی حوالی غروب در مقابل دانشگاه تهران و دانشگاه‌های صنعتی شریف و امیرکبیر و دانشگاه نوشیروانی بابل تبدیل به اعتراض و سردادن شعار علیه مسببین این حادثه شد».

بیانیه با یادآوری اعتراضات آبانماه به گرانی بنزین که تظاهرات‌های گسترده و وسیع سراسری مردم که با خشونت و سبقت هر چه تمام‌تر از سوی حاکمیت پاسخ گرفت، نوشته است: «صدها نفر از جوانان این کشور کشته شدند. هزاران نفر دستگیر و مورد آزار و اذیت قرار گرفتند. فضای شهرهای کشور به فضایی پادگانی تبدیل شد و با قطع شبکه اینترنت دسترسی مردم به اخبار و اطلاعات به کلی قطع گردید. موج

تحصن روز دوشنبه معلمان سراسر کشور بیانیه‌ای صادر کردند که در آن می‌خوانیم: «... حاکمیت در برابر هر خواست و اعتراضی، فقط با زبان تهدید و قداره و تیر و تفنگ و سرکوب به میدان می‌آید. حاکمیت بنا به سرشت متناقض، بحران‌زا، و همیشه بحرانی‌اش، هر اعتراضی را به پرسش هست و نیست خود بدل می‌کند، زیرا می‌داند پیوستار و زنجیره این خواست‌ها در اعتراضی بنیادین نسبت به ستم و سلطه حکومتی جبار ریشه دارد و ساده‌ترین اعتراض و کوچک‌ترین صدا می‌تواند سراسر این زنجیر را به جنبش وادارد. حاکمیت به روشنی دریافته است که شالوده‌هایش بر چه بنیاد استثمارگرانه و سلطه‌جویانه استوار است. یکپارچه‌شدن آشکار و رسمی تمام نهادهای حاکمیت در حمایت از ضرورت به رگبارستن خیزش قهرمانانه و جسورانه آبانماه، قطعی اینترنت، کشتار جان به لب‌رسیدگان و یورش نیروهای امنیتی به دانشجویان دانشگاه‌ها، عدم انتشار رسمی دقیق آمار کشته‌شدگان، همه و همه نشانگر سراسیمگی حاکمیت در کنترل ناموفقیت‌آمیز جنبش آبانماه است. در این بین، حاکمیت امکان هرگونه تشکلیابی را به عنوان بدیهی‌ترین حق استثمارشوندگان سلب می‌کند، تا به مثابه افساری برای هیولای سرکش سرمایه عمل نماید و پیشروی خونین نئولیبرالیسم در ساحات حیات ما را با شتابی شگفت‌آور ادامه دهد. همچنین برگزاری تجمع بازنشستگان در روز دوم دی در برابر مجلس و تحصن معلمان در مدارس کشور نشان از ناتوانی حاکمیت در سرکوب صدای معترضان بود. بازنشستگانی که با سی سال کار کردن و زحمت کشیدن، اکنون صندوق تأمین اجتماعی‌شان به تاراج دولت می‌رود. آنان حق سی سال زحمت کشیدن خود را می‌خواهند، و در برابر این خواست کاملاً مسالمت‌آمیزانه، حاکمیت همچنان تاب تحمل ندارد و همچنان دست به سرکوب و تهدید و ارباب می‌زند.

«...»

دی ۱۶

دیدار جمعی از فعالین کانون صنفی فرهنگیان گیلان با خانواده‌های محترم آقایان، «بهشتی»، «قنبری» و «عبدی» و همچنین دیدار با شاعر فرهیخته گیلان جناب «شمس لنگرودی».

دانشجویان

دی ۱۰

تجمع دو روزه جمعی از دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی در اعتراض به مصوبه جدید اخذ جریمه واحدهای افتاده و حذفی. در همین رابطه طومار اعتراضی دانشجویان متحصن دانشگاه شهید بهشتی بیش از ۲۰۰۰ امضا به دست آورد.

دی ۱۱

دانشجویان دانشگاه‌های عضو هیأت امنای دانشگاه صنعتی شیراز در اعتراض به پولی‌سازی آموزش بیانیه‌ی مشترکی



دستگیری‌ها پس از آن نیز به شکل گسترده‌تر ادامه پیدا کرد که هنوز از سرنوشت تعداد بسیار زیادی از دستگیرشدگان اطلاعی در دست نیست».

۲۴ دی

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه از صمیم قلب به تمام بازماندگان فاجعه ناگوار هواپیمای بوئینگ تسلیم گفت و اعلام داشت «ما همصدا با دیگر مردم به خشم آمده به این قتل‌عام آشکار اعتراض داریم و باور عمیق ما این است که تا زمانی که کارگران و زحمتکشان و مردم شریف و آزادی‌خواه نتوانند بر سرنوشت خود حاکم شوند، این گونه فجایع در اشکال گوناگون باز تولید خواهد شد».

۲۶ دی

شماری از زندانیان سیاسی که «جعفر عظیم‌زاده»، «سهیل عربی» و «پروین محمدی» نیز در شمار آنها هستند، با انتشار بیانیه‌ای قتل مسافران هواپیمای اوکراین و سرکوب اعتراضات مردم را محکوم کردند.

مبارزه را پایانی نیست، ولی مبارزه بدون تشکلات کارگری قوی و سراسری، کاری بس دشوار و پیروزی در آینده‌ای نزدیک دست‌نیافتنی می‌شود. وقتی کارگران و زحمتکشان از دو سوی مورد تهاجم دشمنانی خونخوار قرار دارند، اتحاد و به صف‌شدن در تشکلات مستقل، متحد، واحد و تحت رهبری آگاه و مبارز می‌تواند راه گشا باشد و راهی دیگر متصور نیست.

کتاب‌خواندن در ایران جرم بود!

سلطنت‌طلبان بی‌شرم مدعی‌اند که ایران تحت سلطه شاه، این گماشته اجنبی، در حال تکامل و توسعه بود، ملت قدر آن را ندانست و با انقلاب خود مانع این توسعه و پیشرفت شد و در نتیجه امروز محکوم به این انتخاب است که شاهزاده مفت‌خور و انگلی به نام رضا پهلوی را تاج سرش کند، تا از این طریق از مصیبت و ظلمت و تباهی رها شود!

این بی‌خردان یا جاهل و نفهم‌اند یا آگاهانه خود را به نفهمی می‌زنند. آیا این حامیان تاج و تخت و اجنبی هنوز نفهمیدند که در اواخر حکومت شاه ۶۷ درصد مردم بیسواد بودند، ۹۵ درصد زنان روستایی قادر به خواندن و نوشتن نبودند، تنها ۳ درصد از روستاهای ایران دارای برق و آب سالم بودند، ۶۰ درصد مردم زیر خط فقر بودند؟

آیا نمی‌دانند که در مملکت تحت رهبری پدر تاجدارشان کتاب‌خواندن جرم محسوب می‌شد و کتاب‌خوان جایش کنج زندان بود؟ این چه توسعه و دروازه تمدنی است که خواندن کتاب حتا کتاب داستان کودکان، که در آن از وضعیت اسفبار کودکان محروم در میهن ما سخن می‌رفت، ممنوع بود؟

خسرو گل‌سرخ در بی‌دادگاه شاه شجاعانه از دستگاه تفتیش و قرون وسطایی و شکنجه و سرکوب دگراندیشان توسط رژیم پرده برداشت و دستگاه مخوف ساواک «دروازه تمدن» شاه را رسوا ساخت.

یادآوری این بی‌دادگاه و سخنان خسرو گل‌سرخ سند زنده‌ای از هزاران اسناد منتشر شده‌ای است که فقر، نکبت، سرکوب، شکنجه و سلطه امپریالیسم در ایران نتیجه طبیعی بروز انقلاب بهمن بود که طومار خاندان منفور پهلوی را درهم کوبید و به سلطه ۲۵۰۰ ساله سلطنت پوسیده پایان داد.

چاره رنجبران وحدت و تشکلات است





بر علیه ایران»، «دست‌ها از ایران کوتاه باد!»، «خروج آمریکا از عراق و خاورمیانه»، «نه به تحریم بر علیه ایران» بود.

فعالین حزب کار ایران (توفان) در آمریکا و کانادا در شهرهای نزدیک به محل سکونت خود فعالانه در تظاهرات شرکت کردند. توزیع بیانیه حزب به زبان انگلیسی بین تظاهرکنندگان مورد استقبال قرار گرفت. رفقا دست به افشاگری جنایات امپریالست آمریکا در منطقه خاورمیانه زدند و با تعدادی از جوانان در مورد نقش آمریکا و اسرائیل در ایجاد تنش در خاورمیانه به بحث پرداختند.

تظاهرات ۴ و ۸ و ۲۵ ژانویه در آمریکا و کانادا و در سطح جهان و اعتراضات میلیونی در ایران و عراق بر علیه چماق کشی و تروریسم آمریکا در خاورمیانه، دونالد ترامپ را مجبور کرد که فیتله را موقتاً پائین بکشد و سطح عربده کشی خود را کاهش دهد. مبارزات مردم خاورمیانه به او به عنوان نماینده سیاسی حاکمیت سرمایه تفهیم خواهد کرد که استقلال سیاسی و تجزیه‌ناپذیری کشورهای منطقه قابل دستبرد نیستند.

فعالین حزب کار ایران (توفان) در آمریکا و کانادا

۲۸ ژانویه ۲۰۲۰

گزارش کوتاهی از تظاهرات های روز شنبه ۲۵ ژانویه در آمریکا و کانادا

همانطور که در روزهای قبل از ۲۵ ژانویه برنامه‌ریزی شده بود، در بیش از ۱۷۰ شهر بزرگ و کوچک آمریکا و کانادا تظاهرات برگزار شد. اراده فعالین ضدجنگ و سلطه‌گری بر هوای سرد و بارانی کانادا و شرق آمریکا غالب شد و موج فریادشان در همبستگی با مردم ایران و خاورمیانه به ساکنین کاخ سفید و در آنطرف آب به مردم عراق، افغانستان، فلسطین، یمن، سوریه و رسید.

در این تظاهرات، ده‌ها هزار نفر زن و مرد با شعارهای کاملاً مشخص ضدجنگ و تحریم فعال بودند. در لوس آنجلس بیش از ۱۰۰۰ نفر، در سانفرانسیسکو حدود ۱۰۰۰ نفر، در فیلادلفیا ۵۰۰ نفر، شیکاگو کمی بیشتر و به همین منوال در شهرهای دیگر آمریکا و کانادا. سطح شرکت جوانان در این تظاهرات چشمگیر بود.

شعارهای اصلی همانطور که از تصاویر برمی‌آیند: «نه به جنگ



اپوزیسیون و جنگ!

مخالفان تظاهرات ضد جنگ، موافقان تجاوز به ایرانند!

تشدید تحریم‌های اقتصادی و خطر تجاوز نظامی به ایران سبب شد تا چهره واقعی اپوزیسیون جنگ‌طلب و وطن‌فروش بیشتر عیان شود. این اپوزیسیون وطنی همان عکس برگردان اپوزیسیون عراقی است که دست‌بوس و ثناگوی «جرج بوش» و «چنی» بود و در مقابل تظاهرات ضد جنگ برای ممانعت از تجاوز به عراق پرچم سرنگونی رژیم صدام و تأیید تجاوز به عراق را برافراشته بود، تا در پارکابی امپریالیسم آمریکا در قدرت سهیم شود.

از تاریخ ۲۰ مارس ۲۰۰۳ تاکنون به گفته رويترز، یعنی از زمان حمله نظامی آمریکا به عراق تا به امروز ۱/۳ میلیون عراقی جان‌باخته‌اند. مطابق اظهارات وزیر بهداشت عراق در سال ۲۰۱۴ بیش از ۲ میلیون عراقی بعد از حمله نظامی آمریکا به عراق جان باختند. طبق شواهد امر تمام زیربنای حیات اقتصادی این کشور و تأسیسات آب و برق و راه و جاده از هم فروپاشیده است، حداقل ۵۰ سال طول می‌کشد تا اوضاع به روز نخست‌اش باز گردد.

حال امروز وطن‌فروشان یافت می‌شوند که بی‌شرمانه تظاهرات عظیم سراسری در چند قاره جهان علیه دولت آمریکا و برای ممانعت از جنگ و تجاوز به ایران را به زیان ملت ایران و حمایت از رژیم تبلیغ می‌کنند! زهی بی‌شرمی! تظاهرات صلح‌دوستان بر ضد جنگ در ۱۵۰ شهر آمریکا و ۴۳۰ شهر هندوستان و ۳۰ شهر اروپا خواب از چشم این حامیان جنگ و تحریم علیه مردم ایران ربود.

سخن بر سر این نیست که امروز حتماً جنگی درمی‌گیرد، که به نظر ما احتمال آن ضعیف است. سخن بر سر ماهیت نزاعی است که در گرفته و شناخت از اهداف و نیت اصلی امپریالیسم آمریکا از این زورگویی‌هاست.

نخست اینکه دولت ترامپ، اوباما یا جرج بوش، نماینده امپریالیسم آمریکا، نماینده سرمایه مالی هستند و سرمایه مالی

ماهیتاً به دنبال سیادت و سلطه مطلق است و نه «آزادی». سیاست الحاق و نقض حقوق ملل و حق تعیین سرنوشت، که یک امر سیاسی است، بخش جدایی‌ناپذیر از خصلت امپریالیسم است. پس هدف آمریکا از این نزاع حتا تغییر رفتار نظام در درازمدت هم نیست، بلکه تغییر کلیت نظام است. همانطور که در عراق، لیبی و افغانستان و غیره... عمل کرد. قذافی اکثر سیاست‌های کلان آمریکا را پذیرفت، اما دیدیم سرانجام با او چه کردند.

دوم اینکه دفاع از حق تعیین سرنوشت به معنی دفاع از حق ملت ایران و تغییر قدرت سیاسی با دست خود اوست و این بدان معنی نیست که ماهیت قدرت سیاسی رژیم الزاماً مرفعی و انقلابی است. همانطور که در مورد افغانستان و عراق هم بحث بر سر «ماهیت دموکراتیک» رژیم‌ها نبود، بلکه سخن بر سر احترام به حقوق ملل و حق تعیین سرنوشت به دست خود ملل بود.

پرسش مهم این است: در شرایط کنونی چه باید کرد و کدام سیاست صحیح است و کدام در راستای منافع ملی مردم ایران قرار دارد؟

اگر هدف را درست تشخیص داده باشیم، آنوقت باید قبل از هرگونه حمله‌ای سیاست تبلیغ ممانعت از تجاوز به ایران را در پیش گیریم و مسبب اصلی این تنش و جنگ احتمالی را که آمریکاست، مورد آماج خود قراردهیم، همانطور که در مورد عراق، افغانستان، لیبی و یا سوریه و غیره... چنین کردیم. در عرصه جهانی همه کسانی که با تحریم و تجاوز به ایران و سیاست ممانعت از جنگ و تجاوز اتفاق نظر دارند، در جبهه جهانی ضدجنگ، که نوک پیکان‌اش علیه دولت جنگ‌طلب و متجاوز آمریکاست، نشانه می‌رود و به افشاگری و آگاه کردن افکار عمومی می‌پردازند. با شعار

«دست امپریالیسم آمریکا از ایران و منطقه کوتاه باد؛ نه به تحریم و تجاوز به ایران»

«حق تعیین سرنوشت فقط به دست ملت ایران»

صلح‌دوستان جهان را علیه جنگ‌طلبی امپریالیسم آمریکا بسیج کنیم! هراقدامی غیر از این تکرار همنوایی با امپریالیسم و ماشین جنگی او برای ویرانی ایران است و جز این نیست.

زنده باد صلح و همبستگی بین‌المللی! نه به مداخلات امپریالیستی!

امپریالیسم آمریکا تروریست، جاسوس، ناقض حقوق اساسی انسانها و دشمن شماره یک بشریت است

جهان» است. نتیجتاً هر سیاستی برای پیشبرد اهداف این انستیتو است، از جمله استفاده ابزاری از هر عنصر خودفروخته ایرانی برای همین اهداف و نه اهداف مردم ایران.

ما اینجا تنها به چند مورد سخنرانی و مصاحبه مورد نظر می‌پردازیم تا خوانندگان دریابند، مردم ایران با چه مزدورانی، با چه فریبکارانی روبرو هستند.

رضا پهلوی می‌گوید: «برای مردم ایران قابل قبول نیست که غرب بخواهد با حکومت ایران مذاکره کند وقت آن است که مذاکرات بی‌پایان با جمهوری اسلامی به پایان برسد».

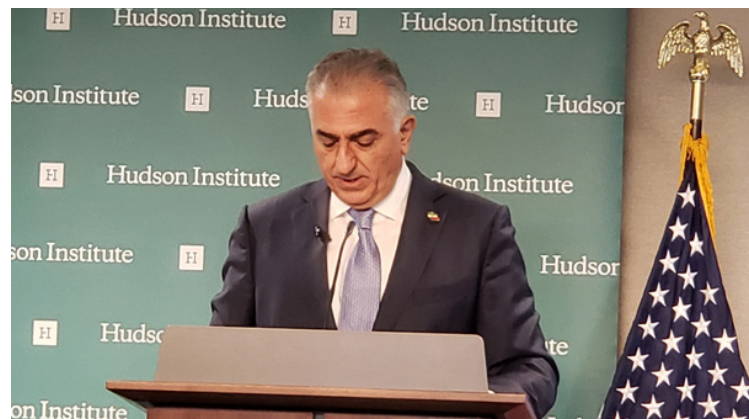
«هر اقدامی به جز تغییر رژیم کار بیهوده‌ای است.....» در این خصوص ادامه داد «دخالل خارجی در عراق و افغانستان به تغییر منجر شد».

اینجا آب پاکی را بر سر سلطنت‌طلبانی که مخالف جنگ هستند، ریخت و این پیامی بود برای نسل جوان مملکت که افغانستان و عراق را به خاطر آورند. افغانستان نابود شد، صدها هزار کشته بر جای گذاشت، ارتش متجاوز آمریکا و شرکا مثل بختک به جان و مال افغانستان افتادند، چپاول گران مزدورشان را به قدرت رساندند و امروز پس از بیش از سی سال دوباره می‌خواهند همان طالبان را به قدرت برسانند. در عراق وضع بهتر از افغانستان نیست. ولی این کودک قمارباز و پول‌پرست وعده افغانستان و عراق را می‌دهد. جای شکرش باقی است که مانند پیروان حزب اسرائیلی منصور حکمت «حزب کمونیست کارگری» لیبی را سرمشق قرار نداد. شاید خجالت کشید و توان بیان آن را نداشت.

او ادامه داد: «تحریم‌های حداکثری تا حدودی کارساز بود.... فشار حداکثری آمریکا سبب شد قیمت بنزین افزایش یابد و این فشار اقتصادی به مردم باعث شد هزاران معترض در آبانماه در صد شهر کشور به خیابان‌ها ریزند و جمهوری اسلامی ۱۵۰۰ نفر را کشت».

ما همیشه بر آن بودیم که تحریم‌ها مستقیم به مردم و به خصوص به بخش زحمتکشان جامعه فشار می‌آورد. امپریالیست‌ها از این فشارها و در نتیجه از این اعتراضات ابزاری می‌سازند برای بمباران ایران، برای به انقیاد کشیدن کشور. این را این کودک وطن‌فروش می‌داند و بی‌شرمانه آنرا ابراز می‌کند.

رضا پهلوی در بخشی دیگر از مصاحبه می‌گوید: «این دولت اشغالگر است و از خاک ایران موشک به کشور دیگر پرتاب می‌کند». منظور موشک‌های سپاه پاسداران ایران است که پایگاه‌های آمریکا در عراق را منهدم کرد. او باید خیلی بی‌شرم باشد که وجود پایگاه‌های آمریکا در عراق را قانونی می‌داند، باید خیلی بی‌شرم و بی‌حیا باشد که رهبری داعش توسط ارتش آمریکا از عراق را قانونی ارزیابی می‌کند، ولی دفاع سپاه از مرز و بوم ایران را اشغالگری! ظاهراً این کودک مفهوم اشغالگر را نمی‌داند. برای او دستورات ارباب مرجع است و نه عقل و منطق، نه منافع کشورهای مستقل، نه دفاع از تمامیت ارضی



به ایران لشکرکشی کنید!

یادداشتی پیرامون پیام شازده ایران ستیز

رضا پهلوی، فرزند محمد رضا، شاه سابق ایران و نوه رضاخان میرپنج در آخرین و مهمترین مکانی که دعوت شده بود، به مواردی اشاره کرد سرتاسر در تناقض، که نشان از سرگیجی توأم با تشنگی مقامی است که نمی‌خواهد از آن دست‌به‌کشد. مقام شخص اول مملکت در پس سرنگونی نظام حاکم در ایران.

ترور قاسم سلیمانی توسط تروریسم دولتی آمریکا و به دنبال آن سقوط فاجعه‌بار هواپیمای مسافربری اوکرائینی در آسمان ایران، که نتیجه تنش‌زایی و ماجراجویی آمریکا در عراق و منطقه بوده است، هرچند اپوزیسیون خودفروخته و ایران‌ستیز را خوشحال کرد و پایکوبی راه انداختند، ولی در نهایت در دسری شد برای آن عناصر و گروه‌هایی که ظاهراً به وزارت امور خارجه آمریکا این پیام را داده بودند که اگر سلیمانی ترور شود، میلیون‌ها ایرانی در داخل کشور به خیابان‌ها می‌آیند و ضمن تشکر از آمریکا، خواهان بمباران ایران می‌شوند. جهان شاهد بود که در تشییع جنازه سلیمانی میلیون‌ها ایرانی با شعارهای مخالفت با تروریسم دولتی آمریکا و به دفاع از تمامیت ارضی کشور بر علیه امپریالیسم آمریکا به خیابان آمدند و بر علیه متجاوز شعار دادند. این تودهنی بود به سران آمریکا و نوکران ایرانی‌شان. این تظاهرات میلیونی دفاع از رژیم نبود، بلکه «نه» بزرگی به هرگونه مداخله نظامی علیه ایران بود. به یاد داریم دو روز بعد وزارت خارجه آمریکا هر نوع ملاقات با این نوع اپوزیسیون را قطع کرد.

رضا پهلوی مات و مبهوت در خانه نشست و سکوت کرد. تا اینکه توسط لابی‌هایی جهت سخنرانی و مصاحبه به انستیتوی صهیونیستی هادسون در واشنگتن دعوت شد، که نگویند دوران این کودک بیمار به سر آمده است.

بنابر «کنت واینستن»، رئیس و مدیر اجرایی موسسه هادسون، وظیفه این موسسه «پیشبرد قدرت رهبری آمریکا در سراسر

مفاهیم را نمی‌داند و یا می‌داند و از خاطر برده است که نمی‌باید بیان کند! نیروی ملی از منافع ملی، از منافع مردم دفاع می‌کند، هر چند می‌تواند خطا کند، حتی خیانت کند.

مجری برنامه سوال می‌کند: «یک عنصر انزواگرا در دولت ترامپ هست که بازدارنده است و نگران شروع جنگ آمریکا با ایران است. او معتقد است جنگ با ایران می‌تواند مثل عراق طولانی گردد و برایمان هزینه‌ای سرسام‌آور بیاورد». کودک بی‌سواد ایرانی جواب می‌دهد: «ایران نباید وارد سیاست‌های بازی احزاب آمریکا شود». در جای دیگری این شاهزاده بی‌تاج و تخت و نادان در قبال سازمان مجاهدین می‌گوید: «نخیر، فقط من پیغام‌رسان هستم». معلوم است اصرار ارباب ترامپ برای اتحاد مزدوران‌اش نتیجه نداده و این یکی حاضر نیست و مقام را تقسیم کند!

اما در بخش پایانی مصاحبه این کودک مأموریت‌اش را از یاد می‌برد و در تناقضی می‌افتد که انسان متحیر می‌شود. او می‌گوید: «از ما می‌خواهند دولت در تبعید به وجود آوریم. نمی‌توان دولتی به وجود آورد در حالی که تمام کشورهای جهان جمهوری اسلامی را به رسمیت می‌شناسند. البته باید آماده بود و ما شورای گذار را داریم که مشغول برنامه‌ریزی است». از او در مورد برنامه‌های کنونی شورای مدیریت گذار سوال شد. جواب داد: «ما توانایی زیادی نداریم، ما منابع داخلی نداریم، کمبود مالی داریم (این مسئله مالی و یا دلاری مشکلی است که اتحاد این مزدوران را غیرممکن می‌کند). ما باید بگذاریم یک تا سه سال بحران‌ها به حد بالاتری برسند و بعد سریع اقدام کنیم».

اینجا معلوم می‌شود فرسگرد و ققنوس دورانشان به سر آمده است و اینبار احیاناً با دستور پنتاگون باید دور فرقه حسن شریعتمداری در شورای مدیریت گذار جمع شوند و جمع شده‌اند.

سوال شد: «چه اقدامی؟»:

اینجا دیگر این کودک به پت و پت افتاده بود و بیشتر هذیان می‌گفت. به طوری که گویا با یک انسان دیگری، با یک پدیده جدیدی روبرو شده‌ایم؛ وقتی گفت: «باید از درون این تغییر صورت گیرد. آقای خامنه‌ای باید استعفا دهد و بخش مردمی و ناراضی سپاه و ارتش زمام امور را به دست گیرند و تحت قوانین قبل از انقلاب عمل کرد!». یعنی قوانین کودتای آمریکا - انگلیس، قوانین پادشاهی

به نظر میرسد در سلامت روحی و مغزی این کودک باید تردید داشت.

هموطنان داخل کشور باید هوشیارتر باشند. فشار اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی که این نظام منفور و فاسد جمهوری اسلامی بوجود آورده است، امکان رشد به این جنگ‌طلبان و ویرانی‌طلبان داده است. در این مبارزه هوشیاری و افشای این مزدوران اجنبی یک وظیفه ملی است. •

کشور، نه منافع مردم. او برای اثبات درستی لشکرکشی به ایران و ایجاد جنگ نظامی بر علیه ایران می‌گوید: «می‌توانید اسب، شیر، و حتی کوسه را رام کنید، ولی برای آن باید خشونت به کارببرید».

این کودک جنگ‌طلب با چه زبانی بگوید: به ایران حمله کنید! ایران را بمباران کنید!

در تلویزیون شهرام همایون، مشاور این کودک قمارباز، یکی از سلطنت‌طلبان میهن‌دوست از این مصاحبه و نظرات ضدملی رضا پهلوی ایراد گرفت که ایشان خواهان نابودی ایران است. شهرام همایون در جواب به این بیننده با عصبانیت پاسخ داد: «چرا اینرا به من می‌گویی، به من چه!

شازده بالغ نشده! در جایی ادامه می‌دهد:

«وقتی شما این رژیم را از میان نمی‌برید، به مردم ایران خیانت می‌کنید.... می‌دانیم دیپلماسی بهترین راه کار است ولی دیگر بس است.... پیغام این است اگر مذاکره کنید، مردم دلسرد می‌شوند، الآن وقت تغییر رژیم است و هر کاری غیر از این بیهوده است..... آنها که می‌خواهند رژیم را سرنگون کنند، مهم نیست آمریکایی‌ها باشند یا..... اگر رژیم سرنگون نشود، هیچ چیزی عوض نمی‌شود».

او شدیداً بی‌محابا و بی‌شرمانه بر طبل جنگ می‌کوبد. روشن است آنکه از کودتای انگلیس - آمریکا بر علیه دکتر مصدق، نخست وزیر منتخب مردم، دفاع می‌کند، اجنبی را مأمور نجات مردم ارزیابی کند. او از قدرت مردم می‌هراسد، چون مردم دربند ایران هدف‌شان حفظ استقلال کشور است. استقرار آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی است. بیهوده هم نیست که مخالف سیاست‌های نئولیبرالی هر دولتی هستند.

او در حالی که لکه‌های خیانت بر روی شلوارش را پاک می‌کرد، برای آماده نمودن افکار مردم جهت حمله نظامی به ایران پیشنهاد می‌دهد:

«نقش رسانه‌های غرب بسیار مهم است؛ رسانه‌ها در صف مقدم آماده کردن شرایط باید انجام وظیفه کنند». به واقع که چنین است. نقش رسانه‌ها در نابودی لیبی و سوریه را نمی‌توان پاک کرد. رسانه‌های غرب همیشه برای جنایت علیه بشریت، افکار عمومی را آماده می‌کنند. اصلاً وظیفه این رسانه‌ها غیر از این نیست.

او می‌گوید: «آن میلیون‌ها انسانی که در پس ترور قاسم سلیمانی دست به تظاهرات زدند، لشکر کرایه‌ای بودند».

چقدر باید یک عنصر وطن‌فروش بی‌حیا باشد که چنین بی‌شرمانه به ملتی تهمت زند. در همینجا قید کنیم که چپ‌نماهای اسرائیلی در تمام این موارد با این کودک قمارباز و مزدور هم‌زبان و هم‌صدا هستند و در یک صف قرار دارند.

در بخشی از این مصاحبه می‌گوید: «رژیم از نیروهای ملی برای سرکوب ملت استفاده می‌کند». یا این مأمور اجنبی معنی

جمهوری اسلامی داعش است، بدون ترس باید بگویم با داعش رسمی مذاکره می‌کنید و نباید به این کار ادامه بدهید و باید با جمهوری اسلامی همانگونه رفتار کرد که با داعش انجام شد. «مسیح علی‌نژاد»، همانند دونالد ترامپ، جمهوری اسلامی را حکومت داعشی می‌نامد تا با چنین استدلال و منطقی حملات نظامی به ایران را توجیه کند. وی در ادامه می‌گوید: «هیچ دولتی نباید با حکومت داعشی ایران با مقامات ایرانی گفتگو کند. زیرا ماهیت این رژیم قرون وسطایی و فاشیستی است و با روح و مرام حقوق بشر منافات دارد». اما این عنصر جاه‌طلب و خودفروخته دولت فاشیست و نژادپرست و زن‌ستیز برزیل را دولتی دمکرات و نماینده واقعی مردم برزیل می‌داند. دونالد ترامپ دیوانه و فاشیست و زن‌ستیز را نماینده مقبول و دمکرات مردم آمریکا می‌داند. این عفریته سرسپرده تمام تلاشش این است تا تروریسم دولتی امپریالیسم امریکا را موجه جلوه دهد و از همین روی این خانم ترور قاسم سلیمانی را که نماینده رسمی رژیم جمهوری اسلامی و نیروی نظامی و به عنوان یک دیپلمات برای مذاکره به عراق دعوت شده بود، به عنوان یک اقدام مثبت و در راستای حقوق مردم ایران و آزادی و حقوق بشر می‌پذیرد و برای ترامپ هورا می‌کشد. در اینجا سخن بر سر دفاع از شخص قاسم سلیمانی و رژیم جمهوری اسلامی نیست. تکلیف کلیت رژیم روشن است. این رژیم فاسد باید توسط مردم ایران به زیر کشیده شود. اما تأیید ترور سلیمانی بی‌شک تأیید نقض قوانین بین‌المللی و تروریسم دولتی آمریکاست. به عبارت دیگر کسی که این ترور را تأیید کند، مداخله نظامی و سرنگونی نظام جمهوری اسلامی توسط آمریکا را نیز مورد تأیید قرار می‌دهد. خانم «مسیح علی‌نژاد» بی‌شرمانه مداخله نظامی در ایران را عملاً پذیرفته است و برای چنین روزی بی‌تابی می‌کند.

به راستی که شرایط مردم ایران بسیار اسفناک است. اما همین مردم، مستقل از تعلقات جنسی، قومی و فرقه‌ای در ایران زندگی می‌کنند و با حاکمیتی مرتجع، فاسد و فشار تحریم‌ها و قیمت‌های نجومی مبارزه را قدم به قدم پیش می‌برند. مردم ایران هیچ وقعی به اپوزیسیون‌سازی امثال «مسیح علی‌نژاد»‌ها نمی‌گذارند. تاکنون صدها از این محافل تحت نام بدیل جمهوری اسلامی متولد شدند و با دلارهای آمریکا و اسرائیل جولان دادند، اما مردم ما به ریش و گیس‌شان خندیدند و پشیزی برایشان ارزش قائل نشدند. اپوزیسیونی که در دامن خونریزترین و بزرگترین تروریست دولتی جهان پرورش می‌یابد و به کاخ سفید و پنتاگون تعلق دارد، جایش در ایران نیست، وطن‌اش ایران نیست. وطن‌دوستی خانم «علی‌نژاد» حرف مفتی بیش نیست. به قول شاعر گرانقدر فریدون مشیری «ما اینجا ریشه در خاکیم. ما اینجا عاشق این خاک اگر آلوده یا پاکیم» و جمهوری اسلامی همچون سلطنت پهلوی، «ایران» نیست و نبوده است. گورش را دیر یا زود گم خواهد کرد. ننگ و نفرت بر خائنین وطن‌فروش!*



مسیح علی‌نژاد، یک زن وطن‌فروش و جاه‌طلب!

یادداشتی در مورد مصاحبه مسیح علی‌نژاد با تلویزیون «من و تو»

خانم «مسیح علی‌نژاد» به عنوان «فعال حقوق زنان»، که سال‌هاست با دریافت دست‌مزد‌های هنگفت به پیشبرد اهداف و مقاصد دولت امریکا کمک‌های شایانی داشته است، با استفاده از سرکوب‌های وحشیانه رژیم و قوانین ضدزن حاکم در ایران با افتخار در کنار خانم «کریستین لاگارد»، رئیس سابق صندوق بین‌المللی پول، نهادی که نقش عمده‌ای در وضعیت اسفناک اقتصادی زحمتکشان جهان داشته است، می‌نشیند و با افتخار می‌گوید: «از من دعوت شد تا در کنار دختر ترامپ و دیگر افراد مهم سیاست بین‌المللی کمک کنم تا آنها برای برنامه‌های آینده خود در مورد ایران تصمیم بگیرند».

تردیدی نیست که جمهوری اسلامی در اجرای سیاست نئولیبرالی داخلی خود چهل سال است با توسل به زور و سرکوب، قلع و قمع مخالفان بر مرکب قدرت نشسته است. حاکمیت ولایتی دیکتاتوری با چاشنی اسلامی و قوانین ضد زن که از همان اوان به قدرت رسیدن، گریبان بانوان ایران را گرفت، انگیزه‌ای است که علی‌نژادها، به نام فعالان حقوق بشر، امروز برخلاف گفته‌هایشان، حتی با توسل به فیلم‌های جعلی لورفته‌شان از لیبی، سوریه، عراق، افغانستان به نام وضعیت جاری در ایران، تلاش می‌کنند شرایط کشور را یا در حد «جنگ داخلی» نشان دهند و یا بدانجا برسانند، و از این طریق سناریوی لیبیایی‌سازی و سناریوهای جنگ داخلی سوریه را در ایران به اجرا درآورند. گویا واقعیت‌های جامعه هنوز چندان در نظرشان دردناک و وحشتناک نیست که مجبورند متوسل به دروغ و پخش فیلم‌های جعلی بشوند.

«مسیح علی‌نژاد» در مصاحبه اخیرش با «تلویزیون من و تو» با آرامشی شگفت‌انگیز می‌گوید: «وظیفه من این است که جامعه جهانی را آگاه کنم که این‌ها نماینده مردم ایران نیستند.



اطلاعیه حزب کار ایران (توفان)

وقیح‌تر، عریان‌تر و کثیف‌تر!

در محکومیت طرح استعماری و کاسبکارانه معامله قرن!

خلق قهرمان فلسطین و جنبش مقاومت فلسطین این طرح استعماری را پیشاپیش محکوم کرده و اعلام داشته است راهی جز ادامه مقاومت متحد بر علیه متجاوزین صهیونیست و توطئه‌های ضد فلسطینی در هیئت مسخره «معامله قرن» ندارند. در همین رابطه مسئول «اداره سیاسی جبهه خلق برای آزادی فلسطین»، «ماهر الطاهر» گفت: «زمان آن فرارسیده است که گروه‌های فلسطینی یکپارچه شوند و با ترامپ، ارتجاع عرب و طرح موسوم به «معامله قرن» مقابله کنند». به نقل از شبکه خبری المیادین، ماهر الطاهر با محکوم کردن طرح استعماری و کاسبکارانه آمریکا موسوم به معامله قرن درباره فلسطین، افزود: «معامله قرن مرده متولد شده است و نمی‌تواند ادامه یابد».

رهایی خلق فلسطین تنها با پیروزی قاطع و درهم شکستن نظام صهیونیستی و نژادپرست و غیرقانونی اسرائیل و تشکیل یک فلسطین بزرگ، که همه گروه‌های قومی، ملی و مذهبی را دربرگیرد و حقوق‌شان را تأمین و به رسمیت بشناسد، امکان‌پذیر است و جز این راه دیگری نیست.

حزب کار ایران - توفان
سه‌شنبه ۸ بهمن (۲۸ ژانویه)

دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا، روز سه‌شنبه ۸ بهمن (۲۸ ژانویه) در یک کنفرانس خبری در حضور بنیامین نتانیا هو، نخست‌وزیر صهیونیست اسرائیل، جزئیات طرح صلح خود را برای «مناقشه اسرائیل و فلسطینی‌ها» تشریح کرد. ترامپ این طرح را «گامی به سمت صلح» برای اسرائیل توصیف کرد و گفت که «این طرح به مقابله با «افراط‌گرایی» کمک می‌کند»!

طبعاً رژیم صهیونیستی و متجاوز و غیرقانونی اسرائیل، بزرگ‌ترین موافق طرح استعماری و الحاق‌گرانه دونالد ترامپ است. وی با اعلام این طرح متعفن استعماری از شادمانی در پوست خود نمی‌گنجد. بنیامین نتانیا هو، که خود در جلسه رونمایی این طرح حضور داشت، آن را «فرصتی تاریخی» خواند که «تل آویو از آن استفاده خواهد کرد».

همه سازمان‌ها و احزاب فلسطینی حتا سازشکارترین بخش آن «محمود عباس» نیز با این طرح شدیداً مخالفت کردند.

این طرح ادامه طرح‌های استعماری گذشته است؛ البته بسیار



گزارشی از مراسم یادمان هادی جفرودی

شنبه ۴ ژانویه ۲۰۲۰

یادمان «هادی جفرودی» روز شنبه ۴ ژانویه ۲۰۲۰ برابر ۱۴ دیماه ۱۳۹۸ از ساعت ۱۶ تا ۱۸ بعد از ظهر در «خانه فرهنگ‌ها» در شهر ماینز آلمان برگزار شد. از یکسو به دلیل مشکلات فراوان بوروکراسی در دو کشور فرانسه و آلمان مراسم سوزاندن پیکر عزیز «هادی» مان با تأخیر نسبتاً طولانی انجام گرفت و از سوی دیگر به دلیل مصادف شدن زمان برگزاری مراسم یادبود «رفیق هادی» با جشن‌های پیش از ایام کریسمس و سال جدید مسیحی با مشکل تهیه سالن روبرو شده بودیم. از اینرو سالن «خانه فرهنگ‌ها» در شهر ماینز گزینه‌ای گشت برای برگزاری مراسم یادبود.

دیوارهای سالن با عکس‌هایی در قطعات بزرگ تزئین شده بود. روی صحنه نیز عکسی بزرگ در میان گل‌ها آرمیده بود. نور شمع‌ها چهره خندان او را جلوه‌ای خاص می‌بخشید.

با پخش موزیک «چرا رفتی؟»، از همایون شجریان حاضرین دعوت به نشستن شدند. سپس آقای «شهرام محمدی» با تار قطعاتی در دستگاه شور و آواز دشتی اجرا کردند و این بخش از برنامه با بداهه نوازی ایشان پایان یافت. پس از اجرای موزیک و سپاسگزاری از حضور شرکت‌کنندگان در جلسه که از راه‌های دور و نزدیک آمده بودند، تا با هم یاد «هادی جفرودی» را گرامی داریم، یک دقیقه سکوت به یاد رفیق «هادی جفرودی» و کلیه جانب‌اختگان راه آزادی، استقلال، عدالت اجتماعی و سوسیالیسم اعلام شد.

«میترا بهراد»، خواهرزاده «هادی» از حضور و همدلی حاضرین در جلسه از سوی خود و خانواده سپاسگزاری کرد و سپس از خاطرات دوران کودکی خود با رفیق «هادی جفرودی»، دستگیری او توسط ساواک، مقاومت و ایستادگی زیر شکنجه‌های وحشیانه و تبعید به دیگر زندان‌ها را برای جمع



با ابراز تسلیت به جنبش کمونیستی ایران، به رفقای هادی جفرودی

به دوستان صمیمی و

به خانواده محترمش!

ضایعه درگذشت رفیق «هادی جفرودی»، یکی از بنیان‌گذاران و رهبران «سازمان مارکسیستی لنینیستی توفان»، هم‌رمز رفقا «قاسمی» و «فروتن» در مبارزه بی‌امان آنها علیه رویزیونیسم راست و «چپ» در جنبش کمونیستی جهانی و ایران و مبارزه در راه احیاء حزب طبقه کارگر در ایران، بعد از سال‌ها مبارزه و اسارت در زندان رژیم سرنگون‌شده پهلوی، برای همه یاران و آشنایان وی گران بود. «هادی» ما را ترک گفت، ترک هر رفیقی به ویژه اگر نقش برجسته‌ای در مبارزه در آزادی و مقاومت در زندان ایفاء کرده باشد، سخت است، ولی میراثی که وی برای ما باقی می‌گذارد، نیروی ما را در پیمودن راه صعب آینده دو چندان می‌کند. رفیق «هادی» زمانی ما را ترک کرد، که ایران ما در زیر سلطه خودکامگان رنج می‌برد، بینوایان به خیابان‌ها سرازیر شده‌اند و طبقه کارگر هنوز برای تحقق حقوق حقه خود مبارزه می‌کند و امپریالیسم آمریکا با تحریم و تهدید به جنگ وطن ما - ایران - فضای زهرآگینی در منطقه ایجاد کرده است. وی که شاهد این شرایط بود، ما را در مبارزه برای رهائی مردم ایران به دست خود، از ستم داخلی و تهدید خارجی، با تکیه بر نیروی لایزال مردمی تشویق می‌کرد. وی در مکتب رفقا «قاسمی» و «فروتن» پرورش یافته بود. حزب ما، حزب کار ایران (توفان) که ادامه‌دهنده راه بزرگ «حزب کمونیست ایران»، «حزب توده ایران» در دوران نخست فعالیت انقلابی خود و «سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان» است، با تمام تلاش خود پرچمی را که این رفقا برافراشتند در اهتزاز نگه‌داشته و مانند گذشته به پیش می‌برد. امروز رفیق «هادی» در میان صفوف ما کمونیست‌ها نیست، ولی این صفوف هیچگاه از هادیان خلق خالی نمی‌ماند.

یادش گرامی و خاطره‌اش جاودانی باد
هیات مرکزی حزب کار ایران (توفان)

۲ ژانویه ۲۰۲۰



یادی از اولین توفانی جانباخته، رفیق نصرالله جعفر نژاد

رفیق نصرالله جعفر نژاد از نخستین رفقای «توفان»، شاخه بجنورد بود که به اتفاق سایر هم‌زمانش در راه رهایی خلق‌های ایران از قید و بند امپریالیسم و رژیم دست‌نشانده پهلوی مبارزه می‌کردند.

این رفقا در سال ۱۳۴۹ مورد شناسایی و پی‌گرد شدید رژیم فاشیستی شاه و ساواک قرار می‌گیرند، که متعاقب آن قریب به ۶۰ نفر از رفقای ما طی چند تهاجم به تهران، خراسان و اصفهان توسط دژخیمان پهلوی دستگیر می‌شوند. رفیق جعفر نژاد که از اعضای فعال شاخه بجنورد بود و در بین دهقانان زحمتکش بجنورد و در پوشش آموزگاری به فعالیت انقلابی مشغول بود، بالطبع نمی‌توانست مورد کینه و نفرت آدم‌کشان رژیم پهلوی نباشد و از این جهت تحت وحشیانه‌ترین شکنجه‌ها قرار نگذرد. و هنگامی که ساواک مشهد در مقابل اراده پولادین رفیق که از آرمان خلق و از اندیشه انقلابی مارکسیسم - لنینیسم نشأت می‌گرفت، نتوانست کاری از پیش ببرد، او را به تهران انتقال می‌دهند و به دژخیمان اوین می‌سپارند. رفیق جعفر نژاد مدت‌های مدید تحت بدترین شکنجه‌های جلادان اوین قرار می‌گیرد، اما اسرار خلق را در سینه محفوظ می‌دارد و لب از لب باز نمی‌کند. او ذلت تسلیم بر دژخیمان را به مرگ پرافتخار و غرور آفرین، به مرگ پرافتخار در راه خلق‌های ایران و در راه طبقه کارگر ترجیح می‌دهد و عاقبت پس از شکنجه‌های وحشیانه و طولانی در ۱۳ دی ۱۳۴۹ به شهادت می‌رسد و با خون خویش نهال احیای حزب طبقه کارگر ایران، حزب کار ایران (توفان) را آبیاری می‌کند. رژیم شاه از بیم خشم مردم هیچ‌گاه از این جنایت رذیلاانه نامی نبرد و حتی پیکر تکه پاره شده وی را نیز به خانواده‌اش تسلیم نکرد. ما رهروان راه پرافتخار این رفیق ارزنده خاطره تابناک او را هیچ‌گاه فراموش نمی‌کنیم و نام و راهش را با فعالیت مستمر در سازمانی که او بدان عشق می‌ورزید و در آرزوی احیاء آن بود، جاودانه زنده خواهیم داشت. باشد تا با یادآوری مبارزات قهرمانانه توفانی‌های جانباخته، که عاشقانه جانشان را فدای کارگران و زحمتکشان و سوسیالیسم کردند و معرفی تاریخ زندگی آنها به نسل جوان ایران، که هم اکنون پرچم پیکار علیه دژخیمان رژیم جمهوری اسلامی را برافراشته است، راه پرافتخارشان را ادامه دهیم.

برگرفته از کتاب جان‌باختگان توفانی •

بازگو نمود و به این نکته نیز اشاره کرد که «هادی» در دادگاه بر سر جان و عمر خود چانه نزد و تنها از ایدئولوژی مارکسیستی - لنینیستی خود، آنچه تا آخرین لحظه عمرش بدان وفادار ماند، دفاع کرد. در ادامه او افزود «هادی» در واپسین روزهای زندگی، پس از آنکه تلاش‌های او برای یک وحدت بزرگ کمونیستی بی‌حاصل ماند، علی‌رغم بیماری‌های بسیار، تصمیم داشت در دو سال آینده به نوشتن تجارب سیاسی و دانسته‌هایش بپردازد، که اجل مهلت‌اش نداد.

برنامه با سخنان رفیق «علی» درباره «هادی» ادامه یافت. سپس او اشعاری از احمد شاملو (بودن) و برتولت برشت (به آیندگان) دکلمه کرد.



جلسه با خواندن پیام «رضا شهابی» از طرف سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، ادامه یافت. سپس دو پیام کوتاه از آقایان «کیا» و «محسن یلفانی» نیز خوانده شد. مسئولین جلسه به دلیل فشرده‌بودن برنامه‌ها اعلام کردند که پیام‌های ارسالی از جمله پیام هیئت مرکزی حزب کار ایران (توفان)، آقای «امین بیات»، و تنی چند از رفقا و هم‌زمان و همبندان سابق رفیق «جفرودی» را به زودی منتشر خواهند کرد. در ادامه چند تن از رفقا درباره زندگی پُرافتخار «هادی جفرودی» مطالبی ایراد کردند. پس از آن فیلمی از زندگی «هادی» از زبان خودش به نمایش درآمد و به دنبال آن باری دیگر «شهرام محمدی» روی صحنه آمدند و با نوای خوش سه تار و صدای گرم خود قطعه «گردی» «گل نیشان و سرگشته» را اجرا کرد. در ادامه قطعه بی‌کلام ترکمن از استاد عزیزاده نواخته شد.

در قسمت بعدی برنامه عکس‌هایی از «هادی» همراه با قطعه‌ای از شوبرت به نمایش گذاشته شد. پس از آن فیلمی از دکلمه سرود کوهستان با صدای «رفیق جفرودی» به نمایش درآمد. مراسم با خواندن سرود انترناسیونال پایان یافت.

فرصت را غنیمت شمرده از طرف خانواده و رفقای برگزارکننده، از دوستان و رفقای که ما را در برگزاری این مراسم با شکوه یاری رساندند، صمیمانه تشکر می‌کنیم و سپاس داریم. همچنین از تارنماهایی که در امر اطلاع رسانی مراسم یادبود ما را یاری رساندند، سپاسگزاریم. یاد و خاطره «هادی جفرودی» و دیگر مبارزان راه آزادی، استقلال، عدالت اجتماعی و سوسیالیسم گرامی و جاودان باد. خانواده و رفقای برگزارکننده مراسم •



سرمشقی از حزبیت، ما را ترک کرد

رفیق بهزاد از همان بدو ورود به آلمان با توجه به اینکه از همان زمان جوانی در ایران به حزب توده ایران تمایل داشت، به سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان به منزله ادامه دهنده راه پُرافتخار این حزب پیوست و مبارزه ضدروزیونیستی را آغاز نمود. رفیق بهزاد در جریان اختلافاتی، که در یکی از حوزه‌های سازمانی بروز کرد، سازمان توفان را ترک نمود و سازمان «شفق سرخ» را در اواسط دهه ۷۰ میلادی بنا نهاد و عضو هیأت مرکزی این سازمان بود. «شفق سرخ» که از نظر ایدئولوژی تفاوت اساسی با سازمان توفان نداشت، توانست با امکاناتی که داشت، سازمانی قدرتمند در ایران بنا کند که از دست ضربه ساواک در امان ماند و در انقلاب ایران مصممانه شرکت داشت. این تشکیلات بعد از انقلاب تجزیه گشت، بخشی از آن به «حزب کمونیست کارگران و دهقانان ایران» پیوست، بخش دیگری از آن در عملیات مسلحانه سربداران در آمل شرکت کرد و بخش کادرها و مرکزیت آن از جمله رفیق بهزاد حقیقی بعد از کنگره وحدت میان «حزب کار ایران» و «سازمان کارگران مبارز ایران» به حزب کار ایران (توفان) پیوستند و وی تا روز آخر در صفوف حزب کار ایران (توفان) به فعالیت ادامه داد. این رفیق، رفیقی با ایمان و با پشتکار بود. تقریباً اغلب جزوات کلاسیک آموزگاران کمونیست، نصب شده در بایگانی حزب کار ایران را این رفیق تایپ زده است. هربار کاری را که داوطلبانه آغاز کرده و به پایان می‌رساند، با مسئولان حزبی تماس می‌گرفت و تقاضای کار جدید می‌کرد. معتقد بود باید تا توان داشت، فعالیت کرد و پشتکار به خرج داد. وی یاد قهرمان کتاب «فولاد چگونه آبدیده شد» نیکلای آستروفسکی را در ما زنده می‌کرد.

یادش گرامی است و راهش ادامه‌دار باد!

حزب کار ایران (توفان)

دی ماه ۱۳۹۸

رفیق «بهزاد حقیقی»، مبارز ثابت قدم و قدیمی سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان و عضو ارزنده حزب کار ایران (توفان) در تاریخ ۱۳ دسامبر ۲۰۱۹ بعد از یک دوره سخت و طولانی بیماری فراموشی، بدرود حیات گفت و رفقای خود را با غم و اندوهی فراوان تنها گذارد.

وقتی برای پرس و جوی حال رفیق با وی تماس می‌گرفتیم، تا از پیشرفت بیماری‌اش با خبر شویم، با مزاح می‌گفت «هنوز مارکسیسم - لنینیسم را فراموش نکرده‌ام». حقیقتا که مارکسیست - لنینیست مومنی بود. در هر تماس حزبی تقاضا می‌کرد تا آنجا که توان جسمی‌اش اجازه می‌دهد، برایش مسئولیت در نظر به گیریم.

رفیق بهزاد در ۱۳۲۴ در تهران به دنیا آمد و در سال ۱۳۴۲ موفق به اخذ دیپلم متوسطه شد. این رفیق تا قبل از آمدن به آلمان در آوریل ۱۹۷۱ به خدمت سربازی رفت و سپس به مدت ۵ سال به عنوان نقشه‌بردار در ایران در شرکت‌های ساختمانی کار کرد. بعد از یک سال کارآموزی در شرکت‌های مختلف در آلمان، در مدرسه مهندسی «هاگن» و سپس «کلن» در رشته ساختمان نام‌نویسی کرد و ادامه تحصیل داد.

از انتشارات حزب کار ایران (توفان)
جهت تهیه این اثر با ما تماس حاصل فرمائید

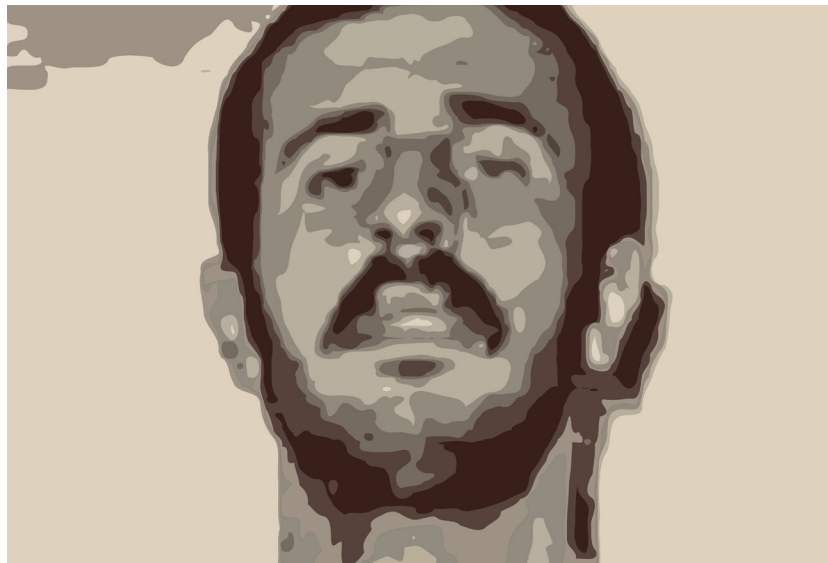


دخالت بی‌شرمانه و ریاکاری دونالد ترامپ رئیس‌جمهور بزرگ‌ترین تروریست دولتی جهان را محکوم می‌کنیم!

آیا می‌توان دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا را، که خود با فرمان صدور ترور قاسم سلیمانی و سایر همراهان او دمیدن در آتش جنگ و تهدید و تنش و حمله نظامی حتا به مراکز و میراث فرهنگی ایران را وقیحانه ابراز کرده است، از مسببان سقوط هواپیمای مسافربری دانست و آن را محکوم کرد؟ آری، می‌توان و باید محکوم کرد، زیرا اگر چنین ترور و تنشی آفریده نمی‌شد، امکان چنین سقوطی در حد صفر بود. چنین فاجعه‌ای بروز نمی‌کرد.

این مردک فاشیست و ماجراجو اکنون از بازماندگان این حادثه و همه مردم ایران که داغدار این ماجرا هستند «نه تنها عذرخواهی نمی‌کند، بلکه آنها را دعوت به تظاهرات علیه رژیم می‌کند، تا با کشتار مردم توسط جمهوری اسلامی از آب گل‌آلود ماهی بگیرد.

آیا رژیم جمهوری اسلامی در مورد اصابت موشکی سقوط هواپیما بی‌تقصیر است؟ ابداً! خیر! باید این بی‌کفایتی و دروغ‌گویی و ریاکاری این دغلکاران را محکوم کرد و خواهان محاکمه مسئولان لافزن و دروغ‌گوی جمهوری اسلامی در دادگاهی علنی شد تا در آن نقش تشنج‌آفرین امپریالیسم آمریکا نیز بطور شفاف افشا شود. •



یادی از رفیق حسین عزتی کمره‌ای

رفیق «حسین عزتی کمره‌ای» در سال ۱۳۳۱ در تهران به دنیا آمد و پس از اتمام دبیرستان در رشته ریاضی ادامه تحصیل داد. رفیق کمره‌ای در سال ۵۰ خورشیدی به سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان پیوست و در مهرماه همان سال توسط ساواک دستگیر شد. رفیق «حسین عزتی کمره‌ای» ابتدا گرایش به اسلام و اندیشه التقاطی توحیدی داشت که سرانجام با نفی ایدالیسم و نفی مشی مسلحانه جدا از توده و موضع‌گیری علیه رویزونیسم شوروی با پیوستن به «توفان» به مارکسیست - لنینیست متحول شد. رفیق «عزتی» مدتی در زندان ساری به‌سربرد و در زندان با زنده‌یاد «تقی شهرام» آشنا گردید و طبق اسناد منتشره تأثیر شگرفی بر افکار «تقی شهرام» گذاشت. رفیق «عزتی» پس از فرار از زندان ساری راهی خوزستان گردید و طبق یادداشت‌های «تقی شهرام»، «حسین عزتی» چندماه بعد در شهریور ۱۳۵۲ در قطار راه‌آهن بین اهواز و خرمشهر به طور مشکوک به دام افتاد و در ساواک آبادان زیر شکنجه کشته شد. و «لطف‌الله میثمی» در رابطه با «رفیق عزتی» می‌نویسد:

«حسین عزتی... از مارکسیست‌های تئوریک بود... با گروه توفان ارتباط داشت و جنبش مسلحانه را هم قبول نداشت. عزتی مارکسیسم را خوب مطالعه کرده بود و به‌نظر من تأثیر عمیقی بر تقی شهرام به لحاظ دیدگاه‌های مارکسیستی گذاشته بود.»

یادش گرامی و راهش پُر رهرو باد!
برگرفته از کتاب «مرغان پرکشیده توفان» (کتاب جانباختگان توفان) چاپ دوم از انتشارات حزب کار ایران (توفان) اردیبهشت ۱۳۹۳ •

با طرح نفت در برابر غذا موجب تقویت رژیم صدام شد. زیرا این رژیم با کنترل دفترچه‌های توزیع مواد غذایی، خانوارهای عراقی را مطیع و وابسته به خود گرداند.

۲ تحریم‌ها موجب فرار مغزها و استعدادهای هوادار دموکراسی می‌شود و زمینه را برای سلطه دیکتاتوری بر جامعه فراهم می‌کند. برآوردها نشان می‌دهند که بیش از سه میلیون نفر از نیروهای متخصص عراقی در دهه ۱۹۹۰ این کشور را ترک کردند. نیروهای متخصص باقیمانده در عراق دست از کارهای پژوهشی و صنعتی برداشتند زیرا درآمدی عایدشان نمی‌شد و سرمایه‌های انسانی عراق تلف شد و این کشور به دست اندک نیروهای بی‌تجربه هوادار دولت اداره می‌شد.

۳ تحریم‌ها طبقه متوسط یعنی موتور محرکه دموکراسی را متلاشی می‌کند و به جمعیت فقیری می‌افزاید که خواسته آنان فقط سیر کردن شکم‌شان خواهد بود، نه آزادی و مشارکت در تعیین سرنوشت خود. فقر و بیکاری فقط به بیماری و عدم امنیت منجر نمی‌شود، بلکه فرهنگ و باور مردم را نیز فاسد می‌کند و همبستگی اجتماعی را بر تلاشی می‌کشاند و زور را به جای قانون می‌نشانند. پروفیسور «لی جونز» از دانشگاه کوین مری در کتاب «جامعه محاصره شده» درباره عراق می‌نویسد:

اتحاد تحریم‌ها و دیکتاتوری موجب شد که مقاومت دموکراتیک در مقابل صدام متلاشی گردد. اینگونه بود که بعد از سقوط صدام، افراط‌گرایان داعشی بر عراق حاکم شدند و سایه آنها ده‌ها سال دیگر ادامه خواهد داشت.

ایران، عراق نیست و زیرساخت‌های اجتماعی و اقتصادی ایران از عراق غنی‌تر است. اما چهل سال است که این کشور نیز با گونه‌های خفیفی از تحریم‌ها دست و پنجه نرم می‌کند. این تحریم‌ها فقط در سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۹۳ دوره اوباما شدید و فراگیر بوده‌اند. در همین سال‌ها ارزش پول ایران و درآمد مردم به شدت کاهش یافت. این تحریم‌ها موجب شد که اقتصاد ایران به انحصار نظامیان درآید، فساد اقتصادی در این کشور فراگیر شود و با دورزدن تحریم‌ها درآمد سرشاری برای خود کسب کنند و بازار تولید و توزیع را در انحصار خود گرفتند و بخش خصوصی و طبقه متوسط به حاشیه رانده شدند.

دولت ترامپ با خروج از برجام و تحریم ایران قدم در همان راه گذاشته است و جنبش مردم‌سالاری نوپا را هدف قرار داده است و می‌رود که چشمه‌های امید به صلح و امنیت در منطقه خاورمیانه را بخشکند و جامعه مدنی ایران را تضعیف و افراط‌گرایان را تقویت کند. به گفته یکی از کارشناسان ایرانی، وقتی که مردم زیر خط فقر له می‌شوند، تنها آرزوی آنها لقمه‌ای نان برای زنده ماندن خواهد بود، نه تغییرات دموکراتیک سیاسی. تحریم‌های ایران طبقه متوسط را تضعیف می‌کند و ندای مردم‌سالاری را به حاشیه می‌راند و قدرت حاکمه را مستحکم‌تر و چابک‌تر می‌سازد و تنها راهی که پیش روی نخبگان می‌گذارد، فرار مغزها خواهد بود.

نوشته پروفیسور پتر بینارت

دانشگاه نیویورک

ترجمه: دکتر اسفندیار خدایی



آیا هدف ترامپ تغییر نظام ایران است؟ یا تحکیم آن؟

تجارب تاریخی نشان می‌دهند که تحریم‌های اقتصادی موجب می‌شوند کنترل جامعه هدف به دست انحصارطلبان حاکم بیفتد و روند مردم‌سالاری به حاشیه رانده شود. تاریخچه طولانی مداخلات آمریکا در امور داخلی کشورهای مختلف نشان می‌دهد که این مداخلات همواره یک مشکل را حل کرده‌اند اما مشکلات بزرگ‌تری را به وجود آورده‌اند. مثلاً در دهه ۱۹۸۰ دولت ریگان مجاهدین افغانی را علیه شوروی تجهیز و حمایت کرد. لکن همین مجاهدین، القاعده را بوجود آوردند و با مرگ‌بارترین حملات یازده سپتامبر هزاران آمریکایی را به خاک و خون کشیدند و هزاران میلیارد دلار بودجه جنگ با تروریسم را روی دست مالیات‌دهندگان آمریکایی گذاشتند.

تحقیقات نشان داده‌اند که تحریمات جوامع هدف را به سمت دیکتاتوری سوق می‌دهند. تحقیقات دانشگاه ممفیس توسط پروفیسور «دورین پکسن» در سال ۲۰۰۹ نشان می‌دهند که تحریم‌های ۱۹۸۱-۲۰۰۰ وضعیت حقوق بشر در کشورهای هدف را خراب‌تر کرده بود. سال بعد تحقیقات مشترک همین پژوهشگر با پروفیسور «کوپر دروری» از دانشگاه میسوری نشان داد که جوامعی که هدف تحریم قرار گرفته‌اند در تمام شاخص‌های دموکراسی افت کرده‌اند و به سمت دیکتاتوری متمایل تر شده‌اند. اما چرا؟

۱ تحریم‌ها موازنه قدرت را به نفع رژیم حاکم و به زیان مردم منتقد تغییر می‌دهند و موجب می‌شود منابع قدرت اقتصادی و سیاسی به دست حکومت بیفتد. تحریم‌ها مردم را بیش از گذشته وابسته به جیب دولت می‌کند و نیروهای دموکراتیک دست‌شان از این منابع خالی می‌ماند. تحقیقات پروفیسور «کوپر دروری» و «پکسن» نشان داد که در شرایط تحریم، دولت‌ها منابع مالی را به سمت هواداران خود سوق می‌دهند، تا اثرات تحریم‌ها بر آنان کم شود و حمایت ایشان را برای ادامه حکومت خود تضمین کنند. در سال ۱۹۸۵ سازمان ملل

آکسفام: ثروت ۲۱۵۳ میلیارد جهان بیشتر از مجموع دارایی ۶۰ درصد کل جمعیت زمین

آکسفام در گزارشی که در آستانه اجلاس مجمع جهانی اقتصاد در داووس سوئیس منتشر کرده است، می‌گوید که ۲۱۵۳ میلیارد جهان ثروتی بیشتر از ۴.۶ میلیارد نفر (بیش از ۶۰ درصد جمعیت جهان) در اختیار دارند.

رشد نابرابری جهانی آنچنان افزایش داشته که در یک دهه گذشته تعداد میلیاردرها دو برابر شده است.

«آمیتاب بهار»، مدیر عامل آکسفام هند، که کنفدراسیون آکسفام را در اجلاس داووس نمایندگی می‌کند، درباره این گزارش گفت: «شکاف بین ثروتمندان و فقرا بدون سیاست‌های آگاهانه ضد نابرابری غیرقابل برطرف شدن است و دولت‌های معدودی در جهان به این سیاست‌ها متعهدند».

وی می‌افزاید: «اقتصاد شکننده ما به قیمت فشار بر زنان و مردان عادی جیب میلیاردرها و شرکت‌های بزرگ را پُر میکند برای همین تعجب‌آور نیست که مردم اکنون این سوال را می‌پرسند که آیا میلیاردرها باید وجود داشته باشند؟» اگر یک درصد ثروتمندترین افراد جهان در ده سال آینده تنها نیم درصد بیشتر مالیات بر ثروت بپردازند، می‌توان با آن سرمایه‌گذاری‌هایی لازم برای ایجاد ۱۱۷ میلیون شغل در بخش‌هایی مانند سالمندان، مراقبت از کودکان، آموزش و بهداشت ایجاد کرد.

این گزارش نشان می‌دهد که دولت‌ها به طور قابل توجهی ثروتمندان را مشمول مالیات‌های اندک کرده‌اند و بنابراین قادر نیستند درآمدهایی به دست آورند که باید برای مقابله با فقر و نابرابری هزینه شود. دولت‌ها عامل ایجاد نابرابری هستند و آنها اکنون باید برای پایان دادن به نابرابری اقدام کنند و از شرکت‌ها و افراد ثروتمند مالیات بیشتری بگیرند (بلومبرگ فارسی).

فقر و شکاف عظیم طبقاتی در جهان محصول نظام سرمایه‌داری امپریالیستی است. محصول نظامی است که ۱ درصد از مردم صاحب سرمایه بر ۹۹ درصد از مردم سلب مالکیت شده جهان اعمال زور می‌کنند! این همان آزادی بی قید و شرط برای یک درصدی‌هاست که با چنگ و دندان و استثمار و چپاول و جنگ و خونریزی از آن حفاظت می‌کنند.

سوسیالیسم تنها بدیل منطقی این نظام چرک و خون است، تنها پرچم‌رهای بشریت از ظلمت نظام امپریالیستی در جهان است.



تظاهرات باشکوه به مناسبت ۱۰۱ امین سالگرد ترور بنیان‌گذاران حزب کمونیست آلمان، روزا لوکزامبورگ و کارل لیبکنشت

امروز ۱۲ ژانویه به مناسبت ۱۰۱ امین سالگرد ترور بنیان‌گذاران حزب کمونیست آلمان، روزا لوکزامبورگ و کارل لیبکنشت در شهر برلن تظاهرات باشکوهی با شرکت قریب به ۲۰ هزار نفر از کمونیست‌ها، نیروهای چپ و انقلابی برگزار شد. در این تظاهرات رفقا و فعالین حزب کار ایران (توفان) نیز شرکت داشتند. خواست‌ها و شعارهای این تظاهرات به طور عمده علیه سرمایه‌داری، نئولیبرالیسم، امپریالیسم، میلیتاریسم، صدور اسلحه و جنگ از یکسو و اسقرار سوسیالیسم از سوی دیگر بود.



سردرگمی سازمان فدائیان اقلیت در برخورد با امپریالیسم

سازمان فدائیان اقلیت، که مدت‌ها از به‌کاربردن واژه «امپریالیسم» در ادبیات خود اجتناب می‌کرد، به واسطه تولد نامیمون «داعش»، نیاز به پذیرش امپریالیسم در حرف پیدا کرد، تا بتواند با توسل با تئوری‌های ارتجاعی «جبهه سوم موهومی» را «مستقل بودن داعش و در موضع تدافعی بودن آمریکا و اروپا، مهاجم بودن روسیه و چین و از همه مهم‌تر معرفی جمهوری اسلامی به عنوان مسبب هر آنچه در دنیا است» به خورد هواداران گمراه خود دهد و با مشوب افکار از کمک‌های بلاعوض کشورهای دموکراتیک! امپریالیستی بهره‌مند شود. در نشریه این سازمان در دو شماره اخیر خود (۸۵۱ و ۸۵۲) نظرات و مواضعی کاملاً متضاد در مورد امپریالیسم مطرح شده است که نشان از سردرگمی کامل این سازمان دارد. در ذیل به چند نکته از این انحراف اشاره می‌کنیم.

در شماره ۸۵۱ نشریه کار به درستی به مبارزات ضدامپریالیستی دانشجویان و شعارهای مبتنی بر تحلیل صحیح از مسائل ایران و جهان، اشاره شده است. در مقاله‌ای به نام «صد افتخار به جنبش چپ رادیکال و سوسیالیستی دانشجویی» آمده است: «صرف‌نظر از شعارهای دانشجویان در دفاع از خواست‌های دموکراتیک و آزادی‌خواهانه و نیز شعارهایی علیه نئولیبرالیسم اقتصادی و شعارهای مقابله‌جویانه با فقر و ستم و سرکوب و شعارهای دیگری در حمایت و همبستگی با خیزش‌های توده‌ای در عراق و لبنان و شیلی و فرانسه اما ویژگی بسیار مهم دیگر جنبش چپ رادیکال و سوسیالیستی دانشجویی، جهت‌گیری ضدسرمایه‌داری و دفاع انترناسیونالیستی از استثمارشدگان است. حمل پرچم‌ها و پلاکاردهایی با خواست نابودی امپریالیسم و دفاع و طرفداری از سوسیالیسم و نیز شعارهایی مانند «ثروت که در جهان است - از رنج کارگران است»، «از هفت‌تپه تا پاریس - ای کارگر به‌پاخیز» و بالاخره تأکید بر آخرین کلام مانیفست مارکس و انگلس «کارگران جهان متحد شوید» تماماً نشانه‌های آشکاری از آرمان‌های والا و انگیزه‌های ضدسرمایه‌دارانه جنبش دانشجویی است که در آذر ۹۸ چندین سر و گردن خود را بالا کشید و در جایگاه یک جنبش چپ رادیکال و سوسیالیستی دانشجویی اظهار وجود کرد».

ولی اشتباه است اگر گمان شود که سازمان فدائیان اقلیت و «نشریه کار» به نظرات مطرح شده خود حتی برای یک ماه

وفادار می‌ماند و بر مبارزه علیه امپریالیسم پای می‌فشارد. این سازمان بلافاصله در شماره بعدی نشریه خود در مقاله‌ای به نام «جبهه متحد ارتجاع، علیه جنبش رادیکال دانشجویی» بر علیه مواضع ضدامپریالیستی دانشجویان موضع‌گیری می‌کند و عملاً نشان می‌دهد که خود نیز به «جبهه متحد ارتجاع، علیه جنبش رادیکال و ضدامپریالیست دانشجویی» تعلق دارد. در شماره ۸۵۲ این نشریه آورده‌اند «... مرتجعین اکنون اما بهانه‌ای هم به دست آوردند. چند نفری که معلوم نبود عامل مستقیم خود جمهوری اسلامی هستند، یا وابسته به گرایش‌های سیاسی ارتجاعی نزدیک به رژیم، که خود را چپ ضدامپریالیست می‌نامند، اما در ضدامپریالیست بودنشان همین بس که گفته شود، امثال حزب‌الله لبنان، انصارالله، جهاد و حماس فلسطینی سبیل مبارزات ضدامپریالیستی آن‌ها هستند، پرچم آمریکا را آتش زدند. این دست‌آویزی شد برای حمله به جنبش رادیکال دانشجویی به قصد بدنام کردن آن. در حالی که آشکار بود، این افراد و اقدام آن‌ها ربطی به جنبش دانشجویی ۱۶ آذر نداشت. در همین حال مخالفان این جنبش جنجال دیگری به راه انداختند بر سر پارچه نوشته‌ای که دانشجویان با خود حمل می‌کردند و بر آن نوشته شده بود، «ایران، فرانسه، عراق، لبنان، شیلی، مبارزه یکی است. سرنگونی نئولیبرالیسم». و بحث‌ها فراتر رفت تا آنجا که آیا اساساً در ایران سیاست اقتصادی نئولیبرال به مرحله اجرا درآمد یا نه؟».

البته باز هم قلم به دستان نشریه کار به روده‌درازی در مورد آنکه نئولیبرالیسم وجود دارد و در جهان چنین کرده است و چنان، و حزب کمونیست کارگری در اشتباه است که وجود سیاست‌های نئولیبرالی در ایران را از بیخ و بن خطا می‌داند و در ایران هم همین سیاست‌ها دیکته می‌شود. ولی برای اثبات آنکه مرغ یک پا دارد، بعد از همه تئوری‌های بافی‌ها اعلام می‌دارد که خطاست اصرار بر مبارزه ضدامپریالیستی و می‌بایست فقط و فقط به سراغ جمهوری اسلامی، که مسبب تمامی مسائل جهان است، رفت و آن را سرنگون ساخت زیرا امکان سرنگونی‌اش بوجود آمده است (و حتماً به کمک امپریالیسم آمریکا).

به مقاله مزبور نگاهی می‌اندازیم که در آن آمده است «... مخالفین جنبش دانشجویی از اینکه در یکی از پارچه نوشته‌های ۱۶ آذر نوشته شده بود، سرنگون باد نئولیبرالیسم، جنجال به‌راه انداختند که گویا این جنبش دانشجویی تحت تأثیر جریان‌ات رفرمیست است و هدفش محدود به برافزاندن سیاست نئولیبرال و فرضاً جایگزین شدن آن با سیاست اقتصادی - اجتماعی کینز و سوسیال دمکراسی دوره‌های سیری شده. البته شعار این پارچه‌نوشته، اشتباه بود، اما دانشجویانی که در همین اعتراضات

نیروی نظامی سوئد را از عراق به خانه برگردانید!

حزب کمونیست سوئد ترور ژنرال عالیرتبه ایران، قاسم سلیمانی را در خاک عراق توسط آمریکا محکوم می‌کند. ما از دولت سوئد می‌خواهیم که از تصمیم پارلمان عراق مبنی بر خروج نیروهای خارجی از خاک عراق پیروی کند. سوئد باید فوراً نیروی نظامی‌اش را از عراق خارج کند و به حق حاکمیت ملی و تعیین سرنوشت عراق احترام بگذارد.

از سویی درک ما این است که حق مردمان هر کشور و طبقه کارگر آن کشور است که علیه اختناق و ارتجاع داخلی برزمد.

حزب کمونیست سوئد به نام همبستگی بین‌المللی از مبارزه طبقه کارگر ایران بر علیه اختناق مذهبی و سیاسی حمایت می‌کند و در عین حال هرگونه حمله نظامی امپریالیسم آمریکا به حکومت مستقل ایران را محکوم می‌نماید.

کمیته اجراییه حزب کمونیست

نقل از نشریه پرولتر شماره ۴، ۲۳-۲۹ ژانویه

بیانیه حزب کمونیست کارگری فرانسه، PCOF در رابطه با ترور قاسم سلیمانی

ما این ترور را به عنوان یک اقدام جنگی از جانب امپریالیسم آمریکا، که به همه جا نیرو پیاده می‌کند و خطری برای صلح است، محکوم می‌کنیم. ما از مقامات فرانسوی تقاضا داریم که از ادامه روند گرم شدن تنور جنگ امپریالیسم آمریکا در خاورمیانه، به ویژه علیه ایران، خودداری کنند. ما همچنین خواستار این هستیم که آنها فروش اسلحه به پادشاهان خلیج فارس را که می‌خواهند از آنها علیه ایران استفاده کنند، متوقف کنند.

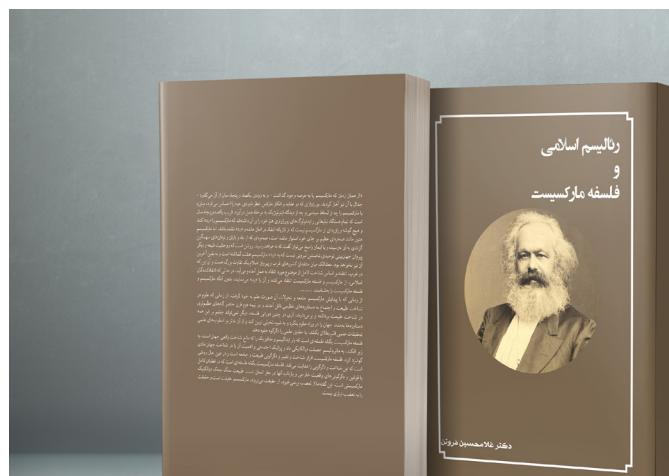
PCOF

پاریس، ۵ ژانویه سال ۲۰۲

اخیر شعار نان-کار-آزادی و اداره شورایی سر دادند، شعار زنده باد سوسیالیسم را سر دادند، هرگز چنین برداشتی نداشتند که گویا مبارزه در ایران نه برای برانداختن نظم سرمایه‌داری، بلکه برانداختن یک سیاست بورژوازی است.....».

مقاله نویسنده نشریه اقلیت به شعور خوانندگان خود توهین می‌کند وقتی که با آسمان و ریسمان بافتن تلاش بیهوده دارد تا مبارزه با نتولبرالیسم را فقط و فقط مبارزه با یک «سیاست بورژوازی» معرفی کند و اعلام می‌دارد که این مبارزه با سرمایه‌داری نیست و ما می‌بایست برای «برانداختن نظم سرمایه‌داری» مبارزه کنیم. حتماً این مبارزه تام و تمام و خالص ضد سرمایه‌داری در رؤیا و خواب و خیال باید صورت گیرد و دون کیشوت وار می‌بایست به جنگ غولان و دیوان رفت و البته آسیاب بادی را به نابودی تهدید کرد. و اگر کسی بخواهد در دنیای واقعی با سیاست‌های سرمایه‌داری مبارزه‌ای جدی و واقعی را پی گیرد دچار اشتباه شده است و با سرمایه‌داری همراه گردیده و از «سیاست دیگر» سرمایه‌داری به طرفداری برخاسته است!! زهی جهالت!

اقلیت از آن زمان که به «جبهه متحد ارتجاع، علیه جنبش رادیکال و ضد امپریالیست» به رهبری حزب ضد کمونیستی ضد ایرانی منصور حکمت پیوست و یوروهای هلندی بلاعوض برای راه اندازی رسانه‌های تبلیغاتی، زیر زبان‌اش مزه کرد، مبارزه با امپریالیست‌ها را به کنار گذاشت و مبارزه ضد سرمایه‌داری‌شان (به زعم سازمان‌های چپ اندر قیچی مبارزه ضد امپریالیستی خطاست، زیرا مبارزه‌ای ضد سرمایه‌داری نیست و کارگران را به اشتباه می‌اندازد!) نیز محدود به مبارزه علیه آخوندهای جمهوری اسلامی گردید! خیانت و وطن‌فروشی راهی است که با دادگاه خلق پایان می‌یابد.



جهت تهیه این اثر با ارزش از رفیق دکتر فروتن با ما تماس حاصل فرمائید

خروج ناتو و آمریکا از خاک عراق!

بیانیه حزب کمونیست کارگری دانمارک پیرامون تغییر و تحولات منطقه و ترور قاسم سلیمانی

سربازان دانمارکی باید هم اکنون به خانه آورده شوند!

روز دوشنبه ناتو نشست اضطراری و ملتهبی را تشکیل داده است. این اتفاق پس از آن رخ می‌دهد که پارلمان عراق امروز تصمیم گرفت واز دولت خواست که ائتلاف تحت رهبری آمریکا که شامل نیروهای دانمارک نیز میشود، از کشور بیرون بیاورد. روز جمعه، رئیس جمهور آمریکا، ترامپ، با تکیه و قدرت‌نمایی امپریالیستی با یک اقدام تروریستی رهبر نظامی ایران، قاسم سلیمانی و رهبر عراقی شبکه شبه نظامی، شیعه تحت نام ارتش خلق (PMU)، ابو مهدی المحمدس را در بغداد به قتل رسانید.

این حمله نقض آشکار قوانین بین‌المللی و حاکمیت دو کشور است. این نه تنها در تعدادی از کشورهای خاورمیانه باعث خشم و عصبانیت فراوانی شده است. حتی در عرصه داخلی نیز ترامپ مورد اعتراض وسیع مردم در بیش از ۷۰ شهر آمریکا قرار گرفت. تظاهرکنندگان خواستار خروج نیروهای آمریکایی از خاک عراق بودند. در حال حاضر بیش از ۵ هزار سرباز آمریکایی در عراق وجود دارد، ۱۴ هزار نفر در کل منطقه و ایالات متحده آمریکا اخیراً ۳ هزار نفر دیگر به نیروهایش افزوده است.

دولت دانمارک نمی‌تواند به عنوان یک کارمند وفادار آمریکایی موضع مستقلی بگیرد. به نظر می‌رسد «چپ کوفوند»، وزیر امور خارجه، سخنی جز اینکه بگوید او «منتظر جلسه فردای ناتو است»، حرفی برای گفتن ندارد. نخست وزیر، «مته فردریکسن» نیز نتوانسته است بیش از اینکه خواستار آرامش باشد و به وسایت شهروندان فراخواند، انجام دهد. در حالی که وزیر جنگ **Trine Bramsen**

به سربازان دانمارکی در عراق دستور داده است تا اطلاع ثانوی و رفع خطر، مخفی شوند. حزب کمونیست کارگری دانمارک اقدام تروریستی ایالات متحده و نقض قوانین بین‌المللی را محکوم می‌کند. ما می‌خواهیم دولت دانمارک نیروهای دانمارکی را از عراق بیرون بکشد. دانمارک باید نیروها و مشاوران خود را از ائتلاف ناتو در خلیج فارس و خاورمیانه و از کشتی‌های جنگی به منزل فرا خواند. مردم دانمارک و کارگران دانمارکی دشمن عراق و ایران نیستند.

ما باید خواستار این باشیم که همه کمک‌های دانمارک به ناتو، که در جهت تشدید بحران و خطر جنگ است، متوقف شود. این خطر نه تنها با مشارکت مستقیم ایالات متحده و اسرائیل حس می‌شود، بلکه امکان ورود ابرقدرت‌هایی نظیر چین و روسیه را برای رویارویی نظامی و خطر یک جنگ تمام‌ممكن می‌کند. پرزیدنت ترامپ تقریباً به معنای واقعی کلمه از همان ادبیات و تبلیغات کلیتون، اوباما و بوش قبل از حمله نظامی و اشغال کشورها بهره می‌جوید و با آنها برخورد می‌کند. همچنین این اولین بار نیست که انتخابات ریاست جمهوری آینده یا پرونده حقوقی علیه رئیس جمهور فعلی، با جنگ تروریستی امپریالیسم آمریکا کلید می‌خورد.

۵ ژانویه سال ۲۰۲۰

بیانیه حزب کارگران تونس در مورد تحولات منطقه خاورمیانه و ترور قاسم سلیمانی

از جمعه گذشته، منطقه خاورمیانه در زمینه سوء قصد به دستور «ترامپ»، شاهد یک وضعیت جوش و پُر تنش بود که هدف آن ژنرال قاسم سلیمانی، فرمانده «نیروی قدس» سپاه پاسداران ایران و ابومهدی المحمدیس، معاون فرمانده کل نیروهای بسیج مردمی عراق بود. ایران در واکنش به این جنایت آمریکایی با بمباران پایگاه‌های آمریکایی در عراق صبح چهارشنبه واکنش نشان داد. حزب کارگران تونس، آنچه را در کل منطقه ما اتفاق می‌افتد، به قرار زیر دنبال می‌کند:

– حزب ما ترور مقامات ایرانی و عراقی و ده‌ها نفر از همراهان آنها را محکوم و آن را تروریسم دولتی و یک ماجراجویی آمریکایی، که عراق و بخشی از سرزمین‌های سوریه را اشغال کرده است، مورد ارزیابی قرار می‌دهد. آمریکا با ایجاد پایگاه‌های نظامی در چندین کشور حوزه خلیج فارس تلاش می‌کند آنرا به عنوان تخته سنگی برای حمله به مردمان منطقه و تداوم کنترل آنها بر خلق‌های منطقه مورد بهره‌برداری قرار دهد.

– حزب ما حمایت خود را از مبارزه مردم عراق و نیروهای ملی آنها، که در برابر فرقه‌گرایی و فساد قیام کرده است و خواهان خروج نیروهای آمریکایی از سرزمین‌های عراق هستند، حمایت می‌کند.

– حزب ما از مخالفت مردم به مداخلات خارجی در امور داخلی عراق احترام می‌گذارد و از حق تعیین سرنوشت به دست خود حمایت می‌کند.

– حزب ما خواستار عقب‌نشینی فوری کلیه پایگاه‌های نظامی خارجی از کشورهای منطقه است، که مهمترین آنها پایگاه‌های آمریکایی است و از ملل و قدرت‌های ملی آنها می‌خواهد که برای دستیابی به این هدف به تلاش خود بیفزایند و مقابله با همه اشکال دخالت‌های خارجی را مهار کنند. استعمارگران، صهیونیست‌ها و رهبران ارتجاعی رسالتی جز ماجراجویی برای تحریک جنگ منطقه‌ای، غارت نفت، گاز، بازارها و حوزه‌های نفوذ خود ندارند.

– حزب ما لیبیایی کردن منطقه را به دلیل منابع نفتی و گازی و صحنه گردانان جنگی منطقه را محکوم می‌کند. حزب ما تصریح می‌کند که مشروعیت مداخله ترکیه عثمانی در لیبی مانند مداخله سایر قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی است که هدف آنها کسب سهم آنها از ثروت است و نه بازسازی لیبی. حزب ما عواقب تأثیر اوضاع لیبی بر تونس را با توجه به موضع تردید و مبهم مقامات دولت تونس هشدار می‌دهد.

– حزب ما تبانی شرم‌آور رژیم‌های عرب، به ویژه در خلیج فارس و خاورمیانه را محکوم می‌کند که سرزمین‌های آنها را به سکوی پایگاه‌های امپریالیستی و نفوذ صهیونیستی با هزینه آرمان‌های مردمان به ویژه مردم فلسطین برای آزادی، رهایی و دموکراسی تبدیل کرده‌اند.

حزب کارگران تونس تونس در ۸ ژانویه ۲۰۲۰

بیانیه پلاتفرم کمونیستی مارکسیستی - لنینیستی نروژ درباره ترور قاسم سلیمانی و مداخلات آمریکا در منطقه

ترامپ آتش افروز می تواند جهان را به آتش بکشد. مهم نیست که دولت «نگران» باشد. نروژ باید تحریکات جنگی آمریکا را محکوم کند! نه به شرکت نروژ در جنگ!

قتل جنرال قاسم سلیمانی در روز جمعه ۳ ژانویه باید توسط همه کسانی که خواهان صلح و حداقل احترام به قوانین بین المللی هستند، محکوم شود. سلیمانی رهبر نیروهای نخبه نظامی ایران و در نزدیکی بالاترین مقام دستگاه قدرت بود. ماهیت رژیم به دولت دیگری حق تصفیه را نمی دهد. این حل و فصل را می توان با این واقعیت مقایسه کرد که ایران یک جنرال چهار ستاره آمریکایی را در زمینه تجارت در مکزیک به قتل رساند - با این تفاوت که سلیمانی در اکثریت هلال های تحت نفوذ شیعه، که از لبنان تا یمن امتداد یافته است، از مقام والایی برخوردار بوده است.

این قتل توسط هواپیمای بدون سرنشین با دستور مستقیم رئیس جمهور دونالد ترامپ در بغداد عراق اتفاق افتاد. قتلی که رئیس جمهور آشکارا به آن می بالد. این در حالی است که یک سری حملات نظامی آمریکا، تحریکات و تحرکات نیروها در عراق و سوریه رخ داده است. این حمله بیشتر هدف اش ایران است، این بخشی از استراتژی ایالات متحده برای بی ثبات کردن منطقه ای است که نفوذ ایالات متحده تضعیف و در شرایط دفاعی قرار دارد. بخشی از استراتژی بی ثبات سازی این است که به گروه های تروریستی و جنگ جویان خارجی داعش و القاعده کمک شود. ایران به همراه ارتش سوریه، کردها و شبه نظامیان مورد حمایت ایران، اصلی ترین نیروهای درگیر با تروریست ها بوده اند.

ایران و متحدان اش مطمئناً از طریق حمله به پایگاه یا سفارت آمریکا از این قتل انتقام خواهند گرفت. این امر در دور بعدی موجب می شود که امپریالیسم آمریکا برای تشدید درگیری توسل جوید، که می تواند به یک جنگ تمام عیار تبدیل شود. این جنگی است که در آن می توان چین و روسیه را نیز درگیر

کند. زیرا ایران در آستانه عضویت کامل در سازمان همکاری شانگهای قرار دارد که این هم یک پیمان امنیتی است. ایران به همراه چین و روسیه اخیراً همکاری های مشترک دریایی در آب های تنگه هرمز انجام داده اند.

نروژ مطیع وفادار ایالات متحده است که به سرعت می تواند در درگیری جنگ شرکت کند.

وزیر امور خارجه، «مایک پومپئو» حمله هواپیماهای بدون سرنشین ایالات متحده علیه یک ژنرال ایرانی را «اقدامات پیشگیرانه دفاعی» توصیف کرد. متعاقباً، ایالات متحده ممکن است از گماشتگان خود در ناتو از جمله نروژ بخواهد که به یاری نجات ایالات متحده بشتابند. اوضاع بسیار جدی است.

وزارت امور خارجه نروژ از تأیید این نقض فاحش کلیه قوانین بین المللی خودداری نکرده است. وزیر امور خارجه، «اینه اریکسن سورید» از اظهار رضایت او ابراز خرسندی می کند. حتی Jonas Gahr Støre، رهبر AP، «برای نگرانی بیشتر» بسیار نگران است ... زیرا «پاسداران انقلابی» ایران در طیف گسترده ای از درگیری ها در خاورمیانه نقش منفی ایفا می کند! مخالفان جنگ در کنگره ایالات متحده، نظر خود را با کلمات بسیار قوی تری بیان می کنند.

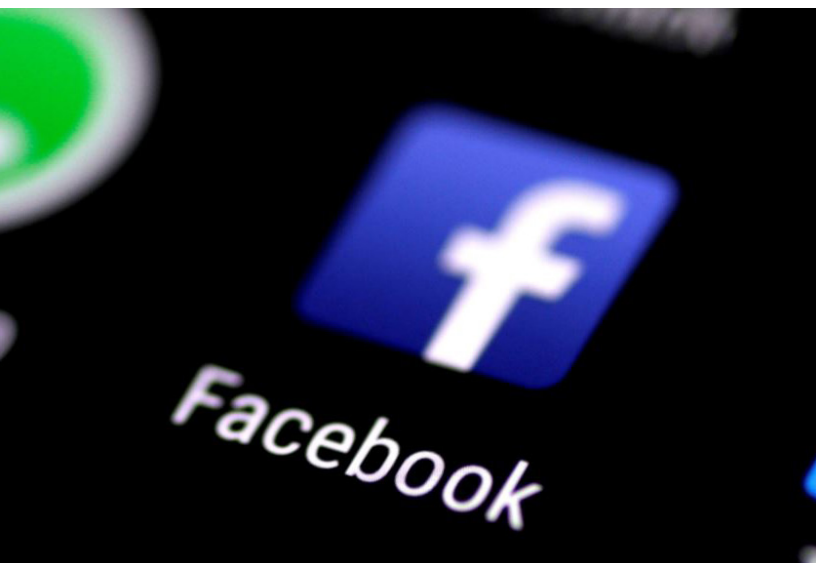
با چنین سیاستمدارانی، بدیهی است که نروژ وفادار به ایالات متحده آمریکا به سرعت درگیر نزاعی بزرگ می شود:

- ما از نروژ می خواهیم که این حمله را به عنوان نقض قوانین بین المللی محکوم کند.
- نیروهای نروژی باید بلافاصله استان انبار و بغداد را ترک کنند.
- نروژ باید از هرگونه اعطای کمک جنگی به هر شکلی، چه از طریق ناتو و چه «ائتلاف» در خلیج فارس دوری جوید.

پلاتفرم کمونیست - لنینیست مارکسیستی،

۳ ژانویه ۲۰۲۰

تجاوزگران استعمارگر باید خاک عراق، افغانستان،
لیبی، سوریه و یمن را بی قید و شرط ترک کنند!



پرسش و پاسخ در فیسبوک

پرسش: دوستان گرامی واقعا چه دلیلی باعث شد تا اتحاد شوروی فروپاشد. این سؤال خیلی مهمی است که کمونیست‌ها باید بدان جواب منطقی دهند. حزب شما می‌گوید حاکم‌شدن رویزیونیسم باعث این تحول شد، این توضیح کافیست؟ ولی فکر نمی‌کنید عامل خارجی، امپریالیست‌های غربی و جاسوسان این ممالک باعث فروپاشی شوروی شده‌اند؟

پاسخ: نه دوست عزیز! ما بارها به این پرسش پاسخ داده‌ایم. باز هم تکرار می‌کنیم که دیالکتیک به ما می‌آموزد که اشیاء و پدیده‌های موجود در جهان مادی، که ما را در بر گرفته‌اند، همه دارای تضادهای درونی‌اند که در درون و هم در بیرون با سایر تضادها در مبارزه دائمی به‌سرمی‌برند. ما شیئی و پدیده‌ای نمی‌شناسیم که مملو از تضاد نباشد. در علم دیالکتیک تضادهای درونی، که در داخل جسم و پدیده همواره وجود دارند، عامل تحول، حرکت، تعیین ماهیت و اساس تکامل‌اند. به اینجهت دیالکتیک مارکسیستی حرکت درونی را به مثابه عامل تکامل می‌داند. بر این اساس باید همیشه ریشه تحولات را در بطن پدیده جستجو کرد و در درون آن به تجسس برخاست. تضادهای درونی سرچشمه تکامل‌اند، از اینجهت که سیما و سرشت پدیده را تعیین می‌کنند. تضادهای خارجی و یا تأثیرات خارجی شرط تحول و تنها از طریق تأثیر بر تضادهای درونی می‌توانند موثر واقع شوند. هیچ عامل خارجی نمی‌تواند ماهیت یک پدیده را عوض کند. تنها تضادهای درونی هستند که سرشت پدیده را تغییر می‌دهند. اگر عامل خارجی نقش تعیین‌کننده در تحول داشتند، آنوقت ما باید قید مبارزه ملت‌ها، خلق‌ها، توده‌ها و طبقات را می‌زدیم و به امپریالیسم خارجی تمکین می‌کردیم.

قانون مبارزه طبقاتی، قانون تحول اجتماعی است، ولی اگر در یک کشور مفروض امپریالیست‌ها با بمب اتمی و یا نوترونی

بیانیه مجمع سراسری ضدامپریالیستی هندوستان علیه ترور فرمانده نظامی ایران، جنرال قاسم سلیمانی

فوروم سراسری ضدامپریالیستی هندوستان ترور فرمانده عالی‌رتبه نیروی نظامی ایران به دستور دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا در فرودگاه بغداد را قویاً محکوم می‌کند. این یکی دیگر از اقدامات فجیع ایالات متحده در خاورمیانه است. پس از آنکه شبه نظامیان عراقی هنگام تظاهرات به منطقه سفارت آمریکا در بغداد نفوذ کردند، پرزیدنت ترامپ بدون هیچ توجیه‌ای، شروع کرد به متهم کردن ایران برای سازماندهی این رویداد و اعلام نمود که ایران به خاطر این عمل مجازات خواهد شد.

ایالات متحده پیش از این تحریم‌های اقتصادی شدید علیه ایران وضع کرده بود و مدت‌هاست که ایران را با حمله نظامی تهدید می‌کند، اما ایران با تمسخر تسلیم اوامر دیکتاتور آمریکا نشده است.

این تنها نمونه تجاوز آمریکا به یک کشور مستقل به بهانه ساختگی نیست. ما قبلاً شاهد حملات ایالات متحده به عراق و لیبی و به قتل رساندن صدام حسین، رئیس‌جمهور عراق و معمر قذافی، رئیس‌جمهور لیبی بودیم. ترور فجیع کنونی فرمانده نظامی ایران، نقض حاکمیت ایران است و در عین حال تهدیدی جدی برای صلح جهانی است.

ما از همه آزادیخواهان جهان می‌خواهیم که در اعتراض به تجاوز آمریکا برخیزند و ایالات متحده را وادار کنند مانع مانورهای خصمانه خود در خاورمیانه شود.

نایب رئیس فوروم سراسری و ضدامپریالیستی هندوستان
مانیک مجاھری •

2020 ,7 January

ALL INDIA ANTI-IMPERIALIST FORUM

Founder President : Late Justice V. R.

Krishna Iyer

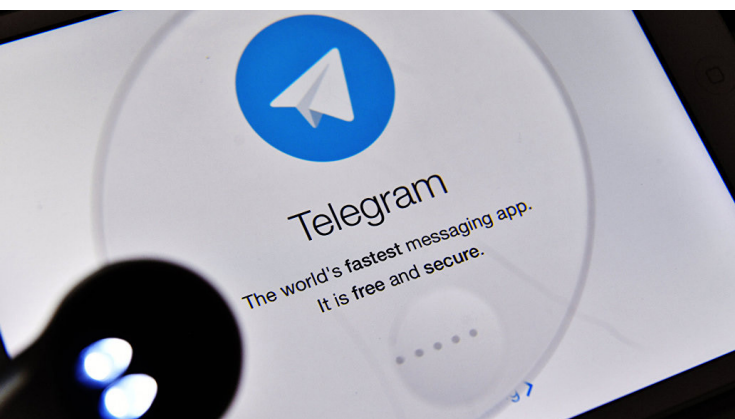
Founder General Secretary : Late Professor

Dr. Sushil Kumar Mukherjee

President : Dr. K. R. Chowdhury

Vice-President : Manik Mukherjee

General Secretary : Prof. Dhruba Mukherjee



پاسخ به یک پرسش در شبکه تلگرام

پرسش: «ایران ما در زمان شاه در حال توسعه و پیشرفت بود و سعی کرد به ژاپن در منطقه تبدیل شود. ولی آمریکا رقیبی مثل شاه را تحمل نکرد، اوپا هم نمی‌خواست ایران پیشرفت کند و توطئه چیدند و او را برانداختند. این توطئه به زیان ملت ایران تبدیل شد. فکر نمی‌کنید اگر می‌گذاشتند ایران ما امروز نزدیک به ژاپن و کره جنوبی بود؟»

پاسخ: در مورد دوره پهلوی و «گل و بلبل» آن زمان دروغ‌های شاخ‌دار و مضحکی می‌گویند که هیچ با واقعیت نمی‌خواند. اینکه «شاه مستقل و ملی» بود و سیاست‌های اقتصادی، نظامی و اجتماعی‌اش در «کاخ مرمر اتخاذ می‌شد و نه در واشنگتن» خنده‌دار است. تمام اسنادی که از طرف سازمان سیا منتشر شده است، همه دلالت بر تصمیم‌گیری آمریکا در امور داخلی اقتصادی و سیاست‌های منطقه‌ای و نظامی ایران دارد. ظاهر قضیه، شاه مستقل بود و حرف‌هایی می‌زد، اما در خفا و در پوشش دیپلماتیک ایران یک کشور نیم مستعمره بود. ویران‌سازی کشاورزی ایران، که از دکتترین نیکسون در آمریکای لاتین تجویز شده بود، در ایران نیز پیاده شد و این ضربه بزرگی به اقتصاد و تولید کشاورزی بومی ایران وارد ساخت. ایران به مصرف‌کننده بازارهای آمریکا و غرب تبدیل شد. امپریالیسم یعنی همین، یعنی اجازه رشد مستقل به کشوری را نمی‌دهد، اگر هم چنین رخ دهد، جز یک استثناء نیست. تمام کشورهای تحت سلطه، که تحت رهبری و کودتای آمریکایی و یا غربی بر مسند قدرت بودند و هنوز هم هستند، از رشد صنعتی‌شان بازمانده‌اند، زیرا فاقد استقلال‌اند و سیاست‌هایشان وابسته به امپریالیسم است.

در گذشته زمان پهلوی قیمت‌ها پایین و به نسبت امروز بسیار پایین بودند، ولی قدرت خرید مردم نیز بسیار پایین‌تر از آن بود. به طور مثال درآمد کارمند عادی ماهانه ۵۰۰ تا ۱۲۰۰ تومان بود (البته حقوق ۱۰۰۰ تومانی در سال‌های حدود ۱۳۴۸ برای

مردم آن کشور را به قتل رساندند، نتیجه گرفته نمی‌شود که بمب نویترونی و یا اتمی سرچشمه تکامل بوده و جایگزین مبارزه طبقاتی در تحولات اجتماعی شده است. سخن بر سر شرایط تکامل طبیعی یک پدیده است. در تمام جوامع بشری مبارزه طبقاتی وجود دارد و بمب اتمی نمی‌تواند ناقض این قانون باشد. خلق‌ها سرانجام در مقیاس جهانی پیروزی را در آغوش خواهند گرفت و بهره‌کشی انسان از انسان را از بین خواهند برد، ولی از این شکست‌های برشمرده در بالا نتیجه نمی‌شود که مبارزه مردم بی‌نتیجه است و باید تسلیم عامل قدرتمند خارجی شد، تا لگدمان نکند.

سرشت حزب کمونیست شوروی با تسلط روزیونیسم تغییر کرد و به حزبی بورژوائی تبدیل شد که به انحطاط سوسیالیسم و فروپاشی تدریجی آن منجر گردید. یک مارکسیست مومن علل این تحول را در عوامل درونی و مبارزه طبقاتی بر سر کسب قدرت سیاسی و استقرار سوسیالیسم در کشور شوروی جستجو می‌کند و نه در نقش عوامل خارجی که همیشه می‌توانند وجود داشته باشند. تجاوز ۱۴ کشور امپریالیستی بعد از جنگ جهانی اول به شوروی و تجاوز جهانی بورژواهای نازی به یاری همه امپریالیست‌ها به شوروی سوسیالیستی نتوانست ماهیت این کشور شوراها را در زمان رهبری رفیق لنین و رفیق استالین عوض کند. عامل خارجی در این مثال اجتماعی و نه طبیعی، در مقابل مقاومت و قطعیت عامل درونی رنگ باخت. تاریخ را باید براساس علمی نوشت. تاریخی را چنانچه براساس افسانه‌سرایی و نقش تعیین‌کننده عوامل خارجی بنویسیم، نه علمی است و نه مارکسیستی. این افسانه‌سرایی‌ها، تاریخ نیستند و دردی را نیز نه در دیروز دوا کرده‌اند و نه در امروز دوا خواهند کرد.

حزب ما بارها گفته و تکرار می‌کند علت فروپاشی سوسیالیسم در شوروی را باید در تسلط روزیونیسم، که ایدئولوژی بورژوائی است و در تغییر ماهیت حزب و دولت کمونیستی در شوروی جستجو کرد، و نه در زبردستی فلان جاسوس غرب و یا ثروتمندی فلان بانکدار و قمارباز امپریالیست. غربی‌ها از این جاسوسان غنی و زبردست زیاد دارند و هر روز جاسوسان بهتر از جاسوسان قبلی تربیت می‌کنند. برای ساختمان سوسیالیسم نمی‌شود در انتظار نابودی سازمان‌های جاسوسی غرب نشست و یا آرزو کرد که بیلاردرها، دیگر پولی در بساط برای دسیسه‌گری نداشته باشند و نوکر تربیت نکنند و کسی را نخرند و فریب ندهند و... به این ترتیب با این تئوری‌های من‌درآوردی و توجیه‌گرانه‌ی روزیونیستی، تکلیف همه انقلاب‌ها و مبارزات مردم روشن شده است. همه باید بروند خانه‌نشین شوند و یا غنی و زبردست گردند، تا انقلابات پیروز شوند. با این تئوری‌های روزیونیستی تکلیف مبارزه طبقاتی هم یکبار برای همیشه روشن شده است.

حقیقت ولی به ما می‌گوید باید در مقابل امپریالیسم و روزیونیسم تسلیم نشد و با آنها به مبارزه طبقاتی بی‌امان به عنوان دشمنان کمونیسم دست‌زد. روزیونیسم، دشمن سوسیالیسم و همدست امپریالیسم است و کسی که این را نفهمد، نه می‌تواند برای کمونیسم مبارزه کند و نه بر ضد امپریالیسم. •

دارای ساختار ضعیف‌تری بودند و از حمایت دولت، به ویژه حمایت‌های تعرفه‌ای برخوردار نبودند. بخش کشاورزی نه تنها تحت فشار شدید رقابت با کالاهای وارداتی ارزان قرار داشت، بلکه از سوی دیگر، دولت با تعیین سقف قیمت برای محصولات کشاورزی موجب تضعیف بیشتر سودآوری این بخش گردید.

در شرایطی که بودجه اقتصادی کشور چهار برابر شده بود و نرخ رشد تولید ناخالص ملی از مرز ۱۲٪ گذشته بود، نرخ بیکاری به ۱۰٪ (در سال ۱۹۷۶) افزایش یافت، ضریب نابرابری توزیع درآمد ۱۱٪ بالا رفت (از ۴۷،۰ در سال ۱۹۷۲ به ۵۲،۰ در سال ۱۹۷۶)، سهم ۲۰٪ ثروتمند جامعه در مصرف از ۵۲٪ در سال ۱۹۷۳ به ۵۷٪ در سال ۱۹۷۶ افزایش یافت، در حالی که سهم ۴۰٪ فقیر جامعه از ۱۴٪ به ۱۱٪ کاهش یافت و نسبت مصرف مناطق شهری به روستایی، پس از احتساب تفاوت جمعیت، به پنج برابر در سال ۱۹۷۵ رسید.

در فاصله ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۸ واردات کشور متجاوز از ۴۱۲٪ افزایش یافت که معادل نرخ رشدی برابر با ۴۶٪ در سال بود. ساختار اقتصادی کشور، به ویژه شبکه حمل و نقل، انبارها، سردخانه‌ها و دستگاه اداری دولت، ظرفیت جذب، ترخیص و توزیع این افزایش سریع در حجم واردات را نداشت. لذا از سال ۱۹۷۶ کالاهای وارداتی در بنادر و انبارهای گمرک کشور انباشته شد و سرعت ترخیص و توزیع آنها کاهش یافت که متعاقباً موجب افزایش قیمت‌ها شد. به این ترتیب از توانایی بخش واردات در تخفیف فشارهای تورمی کاسته شد و روند تورمی شدت بیشتری گرفت. دولت در مقابله با تشدید موج‌های تورمی، به جای تصحیح سیاست‌های خود، به دستگیری و مجازات «گران‌فروشان» پرداخت. این امر موجب تشدید ناآرامی‌های اجتماعی گردید و بازار را که طی دهه گذشته تا حدودی از نیروهای مذهبی-سنتی جامعه فاصله گرفته بود، به دامان این نیروها سوق داد.

تورم، سرمایه‌گذاری‌های نادرست، اُفت کارایی، تخصیص نامطلوب منابع، پروژه‌های نمایشی و مصرف‌گرایی بی‌رویه موجب ائتلاف انبوه منابع تولیدی گردید. از سوی دیگر، بخش متناهی از ثروت کشور از طریق افزایش بی‌رویه بودجه نظامی به هدر داده شد. طی ۱۹۷۲ تا ۱۹۷۸ بودجه نظامی از ۱۳٪ تولید ناخالص ملی به ۲۰٪ افزایش یافت و سهم کالاهای نظامی در کل واردات کشور از مرز ۳۰٪ گذشت (در مقایسه با ۱۲٪ در سال ۱۹۷۲). به این ترتیب، کشوری که در سال ۱۹۷۴ دارای مازاد تراز پرداخت هنگفتی بود، در سال ۱۹۷۶ ناچار شد برای حل بحران مالی خود به صندوق بین‌المللی پول روی آورد.

آیا همین فاکتورها می‌تواند دلیلی بر بروز انقلاب مردم ایران باشد؟ به نظر ما آری! اینها همه در یک مجموعه از سیاست اقتصادی نواستعماری و استبدادی و سرمایه‌داری و وابستگی به خارج زمینه‌ساز انقلاب گردید و جز این نیز نیست.

افراد بسیار کمی بود) و قیمت پیکان در آن زمان حدود ۲۸۰۰۰ تومان بود یعنی حقوق بیش از ۲۸ ماه یک کارمند. اگر از زبان آمار و ارقام نگاه کنیم، درآمد نفتی از سه میلیارد دلار در سال ۱۳۳۲ به ۵۳ میلیارد دلار در سال ۱۳۵۶ رسید و درآمد سرانه ۱۱۵۱۴ دلار؛ با این وجود در جامعه ایرانی در بخش‌های فقیر جامعه، فقر هر روز بیشتر و شکاف طبقاتی عمیق‌تر می‌شد، که این امر دلایلی دارد:

۱- عدم توزیع منصفانه باعث رشد اقتصادی یک طبقه خاص وابسته به حکومت می‌شد.

۲- عمده مقاطعه‌کاری‌های پُرسود، طرح‌های پُرمفعت دولتی برای مقامات حکومتی بود.

بر اساس یک برآورد تنها در فاصله ۱۳۵۲-۱۳۵۵ حق کمیسیون مقام‌های دولتی از یک میلیارد دلار فراتر رفت. این نوع توزیع ثروت، بخشی از جامعه ایرانی، که شالوده حکومت شاه را تشکیل می‌دادند (اعضای دربار، ارتش، ساواک، و بلندپایگان دیوان سالاری)، و مورد اعتماد شخص شاه بودند تعلق می‌گرفت.

۳- حدود ۴۰ درصد از بودجه کشور به ارتش اختصاص داده می‌شد که تعداد نیروها و پرسنل آن هر روز بیشتر و بیشتر می‌شد و در سال‌های آخر به ۴۱۳ هزار نفر رسیده بود. ارتش بودجه مخفی نیز داشت به اضافه ۴۰ درصد بودجه رسمی. بطور کلی سه ویژگی:

۱- استبداد، فساد سیاسی و اداری، دخیل بودن ملاحظات سیاسی و رویاهای بلندپروازانه در برنامه‌های اقتصادی و عدم استقلال نهادهای اقتصادی و برنامه‌ریزی

۲- کنترل کامل بخش خصوصی از یک طرف و شیوع فساد مالی و استفاده از اموال عمومی در جهت منافع شخصی از طرف دیگر

۳- گسترش رانت اقتصادی در میان درباریان و اعطای مناصب اداری و پروژه‌ها و امتیازات اقتصادی، هرگونه مجالی را برای توسعه و نوآوری از بین می‌برد.

نرخ تورم از ۴٪ در سال ۱۹۷۲ به ۲۵٪ در سال ۱۹۷۷ افزایش یافت. فشار تورم در بخش‌هایی که دولت می‌توانست کمبود تولید را با افزایش واردات جبران کند، (مانند کالاهای صنعتی، مصرفی و کشاورزی) نسبتاً کمتر بود. اما در بخش‌هایی که این امکان وجود نداشت، مانند ساختمان‌سازی و خدمات، نرخ تورم به مراتب بالاتر بود. این امر موجب کاهش نسبی نرخ سودآوری بخش‌های صنایع و کشاورزی، نسبت به نرخ سود در بخش‌های ساختمان و خدمات گردید. در نتیجه سرمایه در جستجوی حداکثر سود از این بخش‌ها خارج و به سوی بخش‌های ساختمان‌سازی و خدمات جاری شد که موجب رکود بخش‌های صنایع و کشاورزی گردید و عملاً دست‌آوردهای اقتصادی دهه ۷۰ را تضعیف کرد. این عملکرد زیانبار در مورد بخش‌های کشاورزی و صنایع سنتی، از جمله صادرات غیر نفتی، بسیار شدید بود. زیرا این بخش‌ها



www.telegram.me/totoufan				*		کانال تلگرام حزب کار ایران (توفان)
facebook.com/toufan.hezbekar					*	فیسبوک حزب کار ایران (توفان)
twitter.com/toufanhezbkar			*			تویتر حزب کار ایران (توفان)
www.rahetoufan67.blogspot.de	*					وبلاگ توفان قاسمی
www.kanonezi.blogspot.de	*					وبلاگ ظفر سرخ
kargareagah.blogspot.de	*					وبلاگ کارگر آگاه
www.toufan.org		*				تارنمای حزب کار ایران توفان
www.toufan.de		*				تارنمای آزمایشی حزب
POSTBANK						
bank code 20110022						
bank account No.: 25773372600						
IBAN: DE70201100222573372600						
P.O. BOX 1138						
D64526 Mörfelden-Walldorf						
E-Mail: toufan@toufan.org						
Fax: 00496996580346						